افسانه
ویژه گرایش
تو مرا کافسانه کشتستم بجوان
www.gerishna.com
■ آبان ۱۳۹۱ ■ ذی‌الحجه ۱۴۳۳ ■ نوامبر ۲۰۱۲
■ شماره دهم ■ ضمیمه شماره ۲۰۹۶ روزنامه افسانه فارس ■ ۸ صفحه

دو کشته و چند تصادف:

تصادف‌های مرگبار و بازگشت سرعت‌گیرها

۳

گزارشی از آبسردکن‌های گراش در آستانه محرم

بنوش به یاد حسین(ع)

بـا نگاهی اجمالـی به آمار این آب‌سـردکن‌ها در گراش، تفاوت فاحشـی نسـبت به شهرهای اطراف به وضوح مشـاهده می‌شـود. این آمار قابل توجهی اسـت که ریشه در اعتقاد این مردم به مبانی عمیق شیعه دارد. قاسـم پابرجا روبه‌روی پارک لاله داخل مغازه‌اش نشسته است. ظهر است و تابلوی «تعطیل اسـت» را رو بـه خیابان روی شیشـه درب ورودی چسبانده. با اشاره می‌گویم چند لحظه بیشتر مزاحم نمی‌شـوم. در را بـاز می‌کند. در عیـن حالی که به کارش ادامه می‌دهد بـه حرف‌هایم گوش می‌دهد. می‌پرسـم: «بانی خیـر این آب‌سـردکن روبه‌روی مغازه‌تون کیه؟» جواب می‌دهد؛ «تکیه شـهدا، ولی هزینه تعویض موتور آب‌سـردکن و تعمیرات‌اش را برای خیر پدرم، من انجام داده‌ام.»

مهـدی فقیهـی لباس‌های قفسـه مغـازه‌اش را مرتب می‌کند که من وارد می‌شـوم. بعد از سـلام و احوال‌پرسـی، بر می‌گردد پشـت میـزش و روی صندلی می‌نشیند. در ضمن این که توضیح می‌دهد این آب‌سـردکن کنـار مغازه از کمـک چند نفر از جمله خودش تهیه شـده است ادامه می‌دهد؛ «اگر شـهرداری کنار این آب‌سـردکن‌ها لیوان‌های یک بـار مصرف بگذارد و سـطلی مخصوص ریختن آن، چشم‌انداز زیباتری به شهر می‌دهد.»

۳

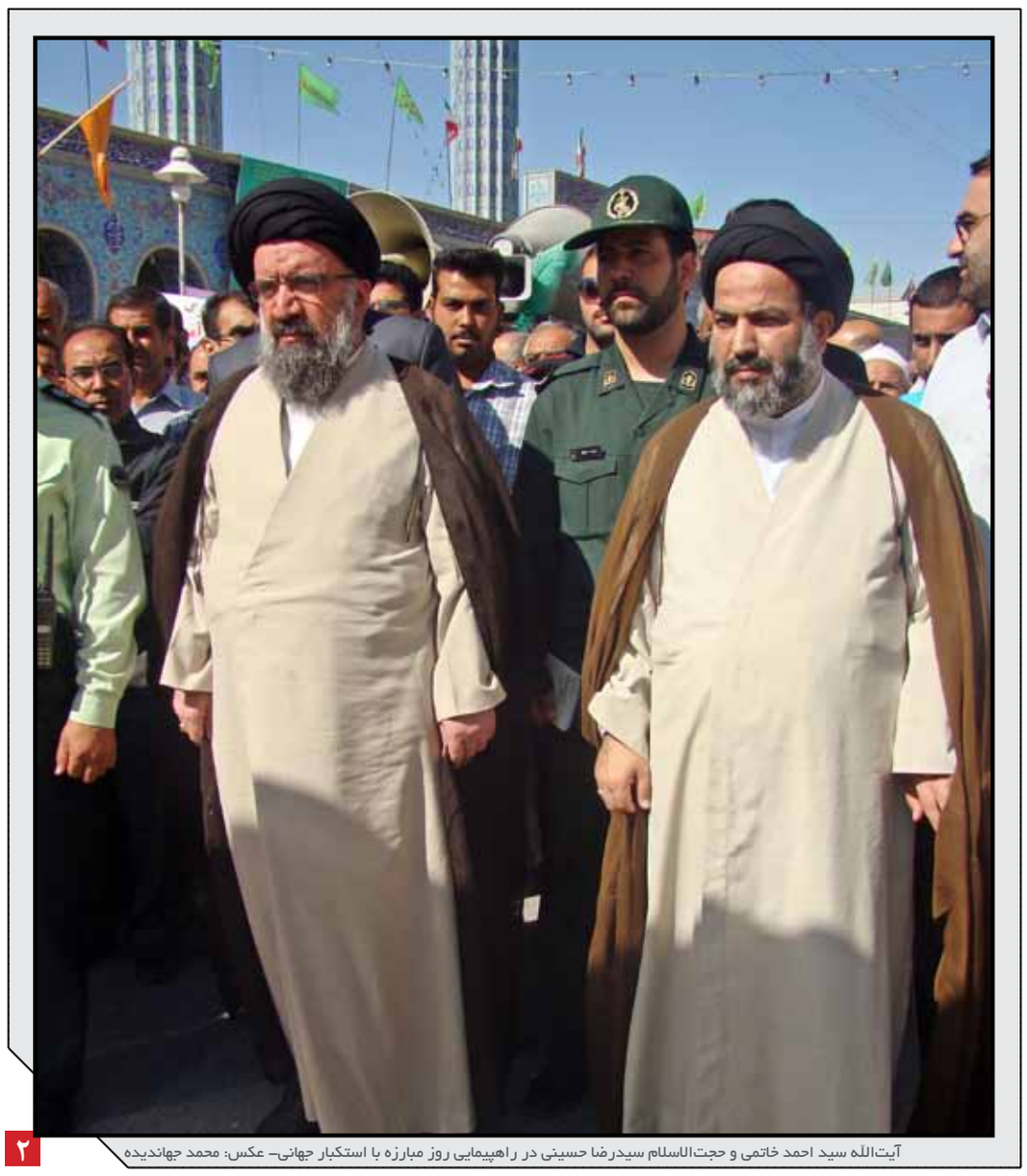

آیت‌الله سید احمد خاتمی و حجت‌الاسلام سیدرضا حسینی در راهپیمایی روز مبارزه با استکبار جهانی– عکس: محمد جهاندیده

۲

دنیای ورزش

جوانان سرخپوش در بالای جدول

جوانان هلال‌احمر گراش با دو پیروزی در هفته اول و دوم در صدر لیگ برتر فوتبال جوانان فارس قرار دارند. این تیم در هفته دوم پاس‌نوین لارستان را ۳ بر صفر شکست داد.

۲

گزارش آماری افسانه گراش

سبد خانواده‌ها هر روز خالی‌تر از دیروز

بررسـی آماری افسانه گراش نشان می‌دهـد در یک سـال گذشـته مواد غذایـی در فروشـگاه‌های گـراش ۶۷ درصد افزایش قیمت داشته است.

۸

طرح نوسازی بوستان شهر اجرا شد

دزدان دریایی ۴۷ میلیون خرج روی دست شهرداری گذاشت

۸

آگهی‌های افسانه

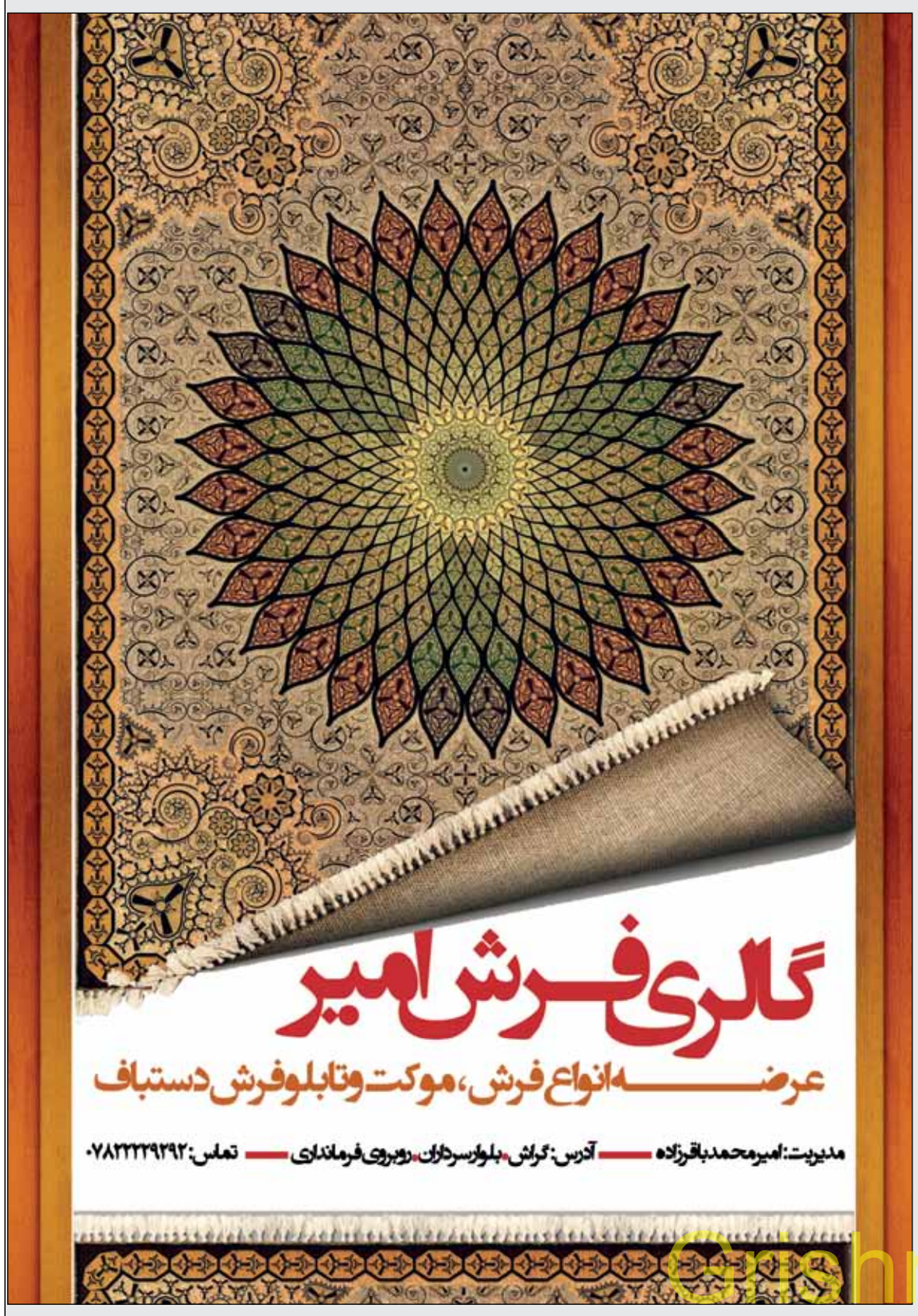

Gerishna.com

اوزنما گراش

www.gerishna.com

۲ خـــــبـــر

شماره دهم. آبان ۱۳۹۱

پیش‌نهاد خبری

برای خواندن خبرهایی از اوز به جز وبلاگ عصر اوز می‌توانید به سایت evaznama.com سر بزنید .
اوز نما سعی می‌کند نگاهی تحلیلی‌تر و البته انتقادی‌تر به مسائل شهر و بخش اوز داشته باشد. تحریریه جوان اوزنما از ابتدای سال ۱۳۹۰ کار خود را شروع کرده‌اند.

خط خبر

مهرماه ۹۱:
در بازدید مدیر جهاد کشاورزی گراش از واحدهای دامداری، گاوداری‌های بهزادی و پرونده به عنوان واحدهای نمونه انتخاب شدند.

۲۱ مهرماه:
دکتر امیرحمزه مهرابی به مناسبت سالروز تاسیس دانشگاه جامع علمی کاربردی پیش از خطبه در نماز جمعه قم سخنرانی کرد.

۲۵ مهرماه:
عبدالحمید علی‌پور که پیش از این سرپرستی اداره راه گراش را بر عهده داشت به عنوان سرپرست اداره تازه تاسیس راه و شهرسازی اوز منصوب شد.

۲۶ مهرماه:
به مناسبت روز ازدواج در بیت‌النور مراسم جشنی برگزار شد.

۲۸ مهرماه:
مانور کوی و برزن نیروهای گردان عاشورا و گروهان الزهرا همراه با تمرین عملیات تعقیب و گریز برگزار شد.

۲۸ مهرماه:
دانش‌آموزان و فرهنگیان گراش با برگزاری راهپیمایی، اهانت به ساحت پیامبر اکرم را محکوم کردند.

۲۹ مهرماه:
مرکز لرزه‌نگاری دانشگاه تهران زلزله‌ای به قدرت ۳ ریشتری را در ساعت ۱۳ در فاصله ۳۹ کیلومتری گراش ثبت کرد.

۳۰ مهرماه:
فرماندار گراش در دیدار فرمانده و جمعی از پرسنل نیروی انتظامی شهرستان گراش از آنان خواست تا با درایت و هوشیاری کامل منازلی را که در اختیار افاغنه غیرمجاز قرار دارد شناسایی کنند. همچنین در زمان طرد اتباع بیگانه غیرمجاز به کشورشان خانواده آنان نیز به همراهشان اعزام شوند.

۳ آبان:
همایش اقتصاد مقاومتی از طرف مجمع امور صنفی شهرستان گراش در سالن سراجی برگزار شد.

۵ آبان:
نماز وحدت‌بخش عید قربان، صبح روز عید به امامت امام جمعه گراش در حسینیه اعظم برگزار شد.

۸ آبان:
دکتر کردی در دانشکده علوم پزشکی گراش در مورد مسائل شهروندی و اصول شهروندی سخنرانی کرد. شهرداری گراش با همکاری دانشکده علوم پزشکی گراش با هدف بالابردن سطح آگاهی شهروندان از مسائل شهروندی این سخنرانی را برگزار کردند.

۹ آبان
معاونین و روسای ستادی امداد استان در معیت الهیاری، مدیر کل امداد فارس از واحدهای اداری و حمایتی مدیریت امداد گراش، بازدید و ضمن دیدار با پرسنل از نزدیک در جریان روند خدمات رسانی امدادگران گراش قرار گرفتند.

۱۵ آبان:
شورای اداری شهرستان گراش در مسجد جامع فداغ برگزار شد. فرماندار خبر داد قرار است که وزیر راه و شهرسازی برای افتتاح مسکن مهر به گراش سفر کند.

۲۳ آذر:
همایش‌سراسری‌بیماری‌های عفونی ۲۲ و ۲۳ آذر امسال در دانشکده علوم پزشکی گراش برگزارمی‌شود.

آیت‌الله سید احمد خاتمی در گراش

امروز تجسم غدیر در ولایت فقیه است

جلسه پرسش و پاسخ در دانشکده علوم پزشکی گراش/عکس: محمد جهاندیده

خطیب امسال مراسم عید غدیر چهره آشنایی بود. امام جمعه موقت تهران در سفر دو روزه خود به گراش به روال نماز جمعه‌هایش همان قدر که از غدیر و معنویت گفت به مسائل سیاسی روز نیز اشاره کرد. آیت‌الله سید احمد خاتمی از روز ۱۲ آبان‌ماه که به گراش آمد برنامه‌ی فشرده‌ای داشت. چندین سخنرانی، یک جلسه پرسش و پاسخ، چند جلسه خصوصی و حضور در راهپیمایی بخشی از این برنامه‌ها بود.

مشایی و احمدی‌نژاد

بعد از ورود به گراش، خاتمی به دانشکده علوم پزشکی گراش رفت تا پاسخگوی پرسش‌های دانشجویان و طلاب حاضر در سالن همایش‌ها باشد. در میان سخنان و سوال‌هایی که بیشتر به موضوعات اجتماعی و سیاسی اختصاص داشت دو جمله بیشتر جلب توجه کرد. خاتمی گفت انکار گرانی در اوضاع فعلی مثل انکار روز است. و هنگامی که از او درباره مشایی پرسیدند. امام جمعه موقت تهران که قبلاً از حامیان سرسخت رییس‌جمهور بود گفت: تنها می‌توانیم دعا کنیم که مهر مشایی از دل احمدی‌نژاد بیرون برود.

بعد از دانشگاه آیت الله خاتمی همگام با مردم و دانش آموزان در راهپیمایی روز مبارزه با استکبار جهانی شرکت کرد.

عصر روز جمعه امام جمعه موقت تهران به جمع بسیجیان در مدرسه علمیه چهارده معصوم رفت. صحبت‌های او در این جمع نیز بیشتر متمرکز بر مشکلات اقتصادی فعلی و مسائل سیاسی بود. خاتمی ترجیح داد صحبت‌های او در این بخش منتشر نشود.

غدیریه در حسینیه

سید احمد خاتمی از سوی هیات امنا حسینیه اعظم و امام جمعه گراش دعوت شده بود. در حالی که حجت‌الاسلام و المسلمین سیدرضا حسینی و حاج قنبر سلطانی در صندلی‌های خود در صدر مجلس نشسته بودند، خاتمی برای سخنرانی خود در جشن غدیر بر بالای منبر حسینیه رفت.

خطیب عید غدیر امسال سخنان خود را با بیان احادیثی در فضلیت عید غدیر و آداب گرامیداشت آن آغاز کرد. خاتمی سپس به مناقب حضرت علی (ع) اشاره کرد که نشانه شایستگی برای جانشینی پیامبر است. سخنرانی او با صلوات‌های پرشمار حاضرین جلوه دیگری یافت.

خاتمی در ادامه با اشاره به سخن رهبر فقید انقلاب اسلامی که «غدیر فقط یک روز نیست»، گفت: امروز اگر می بینیم بیداری اسلامی اوج گرفته است به دلیل ولایتی است که شعبه‌ای از ولایت علی(ع) است. امروز تجسم غدیر در ولایت فقیه است.

بخش پایانی سخنرانی با دعاهای مرسوم این گونه مراسم‌ها همراه بود. البته دعای «این گرانی ها را تبدیل به ارزانی بفرما.» در این میان جلب توجه می‌کرد.

سید احمد خاتمی صبح عید غدیر نیز یک بار دیگر در حسینیه اعظم بر منبر رفت.

آیت‌الله خاتمی متولد شهر سمنان است. عضویت در هیأت رئیسه مجلس خبرگان رهبری، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت(ع) و همچنین امام جمعه موقت تهران از مهمترین مناصب فعلی اوست.

دنیای ورزش

- ۱۲ آبان ماه تیم جوانان هلال احمر گراش موفق شد در هفته اول لیگ برتر در خانه تیم شهداء قطب آباد جهرم با نتیجه دو بر صفر پیروز شود. هر دو گل تیم هلال‌احمر در این بازی را بهنام شیرشمسی به ثمر رساند.
- صادق ظرافت رییس هیات تکواندو گراش و دارنده کمربند مشکی دان ۳ به عنوان یکی از اعضای اصلی مجمع تکواندو استان فارس انتخاب شد.
- تیم بانوان گراش جوان با غلبه بر استقامت عنوان اول مسابقه چهارجانبه والیبال نوجوانان بانوان را به دست آورد.
- بیش از ۶۰ کونگ‌فور کار از لار، گراش و کوره در لار رقابت کردند. تیم گراش با مربی‌گری ابوالقاسم رزاق‌پور در این رقابت‌ها ۷ مقام اول و سه مقام دوم به دست آورد.
- در مسابقات دو حذفی پینگ پنگ هفته تربیت‌بدنی مسعود درویشی با اقتدار قهرمان شد.
- اکبری به همراه جعفرپور به دیدار وزیر ورزش و جوانان رفت. تکمیل سالن بزرگ مجموعه ورزشی محبی و پروژه نیمه تمام روستای فداغ (سالن سقف کوتاه) از جمله مواردی بودکه دراین ملاقات مطرح شد.

امام جمعه و فرماندار گراش در هفته ورزش و تربیت‌بدنی:

دعوت به مشارکت خیرین در ورزش

با تقدیر از قهرمانان و افتخارآفرینان ورزش برنامه‌های هفته ورزش و تربیت بدنی به پایان رسید. ورزشکاران گراش با مجموعه‌ای از مسابقات و دیدارها این هفته را گرامی داشتند.

در ورزش قدرتمند هستیم

سالن سراجی تا نیمه پر شده است و با آمدن امام جمعه به جمع ورزشکاران مراسم آغاز می‌شود. خال نجات آشفته مجری برنامه است و جوایز فراوان روی هم چیده شده نشان می‌دهد که ورزشکاران زیادی در لیست تقدیر قرار دارند. میرزا اکبری رییس اداره ورزش و جوانان در سخنانی کوتاه از حسن توجه امام جمعه گراش به ورزش و مساعدت مهندس قائدی شهردار، دکتر فتحی رئیس و اعضای شورای اسلامی شهر در برگزاری این همایش تقدیر می‌کند. اکبری با اشاره به درخشش ورزشکاران در مسابقات و اخذ بیش از ۶۰ عنوان و مقام تیمی و انفرادی در رقابتهای قهرمانی استان و کشور می‌گوید: اگر چه شهرستانی نوپا هستیم ولی در ورزش گراش در ردیف شهرستان های قدرتمند استان قرار دارد.

حاج آقاحسینی امام جمعه گراش با اشاره به تأکید دین مبین اسلام درخصوص داشتن روح و جسم سالم اظهار داشت روی آوردن جوانان به ورزش باعث جلوگیری از معضلات اجتماعی خواهد شد. امام جمعه گراش در بخش دیگری از سخنان خود ضمن تشویق خیرین به مشارکت و سرمایه گذاری در ورزش گفت درشرایط کنونی ثواب ساخت و ساز فضاهای ورزشی کمتر از احداث اماکن مذهبی نیست. امام جمعه سخنان خود را با مثنوی‌خوانی پایان داد. او با خواندن مثنوی از علی آموز اخلاص عمل ورزشکاران را به اقتدا به امیرالمومنین (ع) فراخواند. در این مراسم به ۶۰ نفر از ورزشکاران برتر دختر و پسر شهرستان در سال ۹۱ جوایز و لوح سپاس اهدا گردید.

در ابتدای هفته تربیت‌بدنی نیز مسئولین هیات‌های ورزشی به دیدار فرماندار رفته بودند. کریمی‌فرد از مسوولین اداره ورزش و جوانان شهرستان خواست تا از ظرفیت ارزشمند خیرین، متمکنین و افراد موثر این شهرستان در جهت رفع مشکلات بهره گیری نمایند و با جلب حمایت از ناحیه این عزیزان مشکلات شهرستان یکی پس از دیگری مرتفع گردد.

قرار بود در این هفته کلنگ خانه تکواندو نیز به زمین زده شود که به هفته بعد موکول شد.

یک هفته رقابت ورزشکاران

برگزاری مسابقات داخلی و منطقه‌ای در دستور کار برنامه‌های هفته تربیت‌بدنی قرار داشت. مهمترین این مسابقات مسابقه تیراندازی قهرمانی استان بود.

در سومین روز از هفته تربیت بدنی و ورزش برنامه پیاده‌روی خانوادگی با حضور اقشار مختلف مردم از جلو مجموعه ورزشی شهدا تا گلزار شهدا برگزار گردید. درپایان این مراسم به ۲۵ نفر از شرکت کنندگان در پیاده‌روی کارت هدیه به ارزش پانصد هزار تومان اهدا شد.

در هفته‌تربیت‌بدنی پیشکسوتان فوتبال لار و قیر نیز برای مسابقه به گراش آمدند. در مسابقات فوتسال چهارجانبه برگزار شده بعثت لارستان با شکست دادن هیات فوتبال گراش و مرصاد قیر با برتری برابر نبرد لار به فینال رسیدند. در پایان بعثت لارستان با برتری ۵ بر ۳ بر سکوی اول این مسابقات ایستاد.

شنای پسران و نجات غریق بانوان در استخر آبشار اندیشه برگزار شد. در رده سنی نونهالان پسر محمد ایزدی و در رده جوانان نیز محمدحسین سیاوشی اول شد .

همچنین در مسابقات نجات غریق بانوان در ۲۰۰متر کرال سینه و ۱۰۰متر قورباغه خانم زهره صمیمی، در ماده پنجگانه (پرتاب حلقه، پرش پا باز، کرال سربالا و قوس و حمل غریق) و آزمون کمک های اولیه صدیقه شیردم، در ماده پای دوچرخه زهرا ده بزرگیان و در ماده ۲۵متر شنای زیرآبی سحر صمیمی و در آیتم‌های جانبی نجات غریق افسانه محسنی به عنوان نفرات برتر این رقابتها شناخته شدند.

فوتبال دسته سه کشور

هفت امتیاز هلال‌احمر در خانه

قرمزپوشان گراش در خانه موفق و در خارج از خانه ناموفق بودند.

هلال احمر گراش بعد از تساوی هفته اول در خانه، به استان کرمان رفت اما نتوانست از پس تیم مس شهر بابک بر آید و بازنده شد.

۳۰ مهر ماه هلال احمر با برتری دو بر یک برابر تیم کارگر بنه گز توانست اولین برد خود را در ورزشگاه شهدا گراش دشت کند. هلال احمر برای بازی بعدی روز یکشنبه ۷ آبان ماه در ورزشگاه شهید بهشتی دیلم به مصاف تیم هما رفت. در این دیدار ابتدا تیم هلال احمر گراش توانست از میزبان خود پیش بیفتد ولی در نهایت دو بر یک بازنده شد.

در هفته پنجم هلال احمر گراش عصر یکشنبه ۱۴ آبان در ورزشگاه شهدا ، با گل مهدی شمسی از روی نقطه پنالتی یک بر صفر میهمان خود تیم امید کیش را شکست داد . با این پیروزی هلال‌احمر هفت امتیازی شد که هر هفت امتیاز آن را در سه بازی خانگی به دست آورده است.

رقیب بعدی تیم هلال احمر گراش، تیم شهرداری ماهشهر است. هلال‌احمر روز یکشنبه ۲۱ آبان در ورزشگاه شهدای گراش میزبان این تیم خواهد بود. در شماره آینده از تحولات این باشگاه خواهیم نوشت.

تیراندازی با کمان

گراشی‌ها در ریکرو بهتر به هدف زدند

در هفته تربیت بدنی و ورزش هیات تیراندازی با کمان گراش میزبان تیم‌هایی از شیراز ، جهرم، مرودشت، زرقان و اوز بود.

به گزارش روابط عمومی اداره ورزش و جوانان مسابقات تیراندازی با کمان قهرمانی استان درسالن مجموعه ورزشی شهدای گراش با حضور ۴۷ کماندار دختر و پسر در دو رشته ریکرو و کامپوند برگزار شد. کمان‌های ریکرو از نوع کمان‌های ساده هستند که ارتفاع بلندی دارند. کمان ریکرو شباهت زیادی به کمان‌های سنتی دارد. در کمان کامپوند تجهیزات مکانیکی، به تیرانداز در پرتاب کمک می‌کند. در المپیک مسابقات در رشته ریکرو برگزار می‌شود.

در این دوره از مسابقات در ریکرو خواهران مرضیه فیلی از گراش اول شد. سارا امیری و فریده شمسی از شیراز به ترتیب دوم و سوم شدند. در قسمت آقایان نیز علی حاجزمانی از زرقان عنوان اول را به خود اختصاص داد و ابوالقاسم شیری و عبداله محمدی هر دو از گراش در جای دوم و سوم قرار گرفتند.

در کامپوند بانوان زهرا مرادیان از جهرم اول شد. سارا تبیان و الهام یوسفی از شیراز عناوین دوم و سوم را از آن خود کردند. در قسمت آقایان محمد رحمانیان از جهرم اول شد. افشین غواصی و علی‌اصغر جوینده از شیراز عنوان دوم و سوم این مسابقات را کسب کردند.

اسکیت

۷ مدال در کوله‌بار دختران اسکیت‌باز

تیم نه نفره اسکیت بانوان گراش با ۷ مدال از مسابقات هفته تربیت‌بدنی در نی‌ریز بازگشت.

به گزارش هیات اسکیت تیم اسکیت بانوان با مریم باقری ، مریم شمسی، مریم حسنی، مینا حسنی، فاطمه بیات، هانیه روانبد، نگار واحدی، نسیم محمودزاده، و فاطمه زارع به این مسابقه رفته بود. در پایان در ماده ۲۰۰ و ۵۰۰ متر مریم باقری طلا و نقره گرفت. مریم شمسی در ۲۰۰ و ۵۰۰ متر دو مدال نقره گرفت و مینا حسنی در ۱۰۰ و ۲۰۰ متر به مدال نقره و برنز رسید. برنز فاطمه بیات در ۲۰۰ متر هفتمین مدال دختران گراشی در نی‌ریز بود.

مریم پورشمسی و مجید باقری مربیگری و سرپرستی این تیم را بر عهده داشتند. درجریان این رقابتها از سوسن باختر قهرمان اسکیت بانوان کشور نیز تجلیل شد. سوسن باختر همراه با تیم شهرداری جهرم در لیگ اسکیت کشور چندین مقام کشوری به دست آورد.

این مسابقات با حضور ۱۰ تیم از شهرستان‌های استان فارس و همچنین به صورت انفرادی برگزار شد. حسن جعفری مسئول هیئت اسکیت شهرستان گراش گفت: تیم بانوان شهرستان در سال جاری توانسته با چندین مقام استانی و کشوری جایگاه خوبی را در بین شهرستان‌های استان فارس به خود اختصاص دهد.

از گریشنا

۴۷ گراشی کلات را نمی‌بینند

بر اساس آمار اداره بهزیستی ۴۷ نابینا در شهر گراش و حدود ۱۰۰ نفر نابینا در کل شهرستان زیر پوشش این اداره قرار دارند.

روز بیست و چهارم مهر ماه برابر با پانزدهم اکتبر، به عنوان روز بزرگداشت نابینایان و قانون عصای سفید، نامگذاری شده است. در حال حاضر حدود ۴۵ میلیون نابینا در سراسر جهان زندگی می‌کنند که تعدادی از این افراد نیز در شهرستان ما سکونت دارند. بر اساس آمار بهزیستی هم‌اکنون حدود ۱۰۰ نفر از این افراد تحت پوشش اداره بهزیستی شهرستان گراش قرار دارند. از این تعداد ۴۷ نفر در شهر گراش و مابقی از اهالی روستاهای شهرستان هستند.

این افراد تحت پوشش بیمه قرار دارند و بهزیستی تلاش دارد با فراهم کردن واهای اشتغال به جذب آنان در بازار کار کمک کند.

پایان فصل خرما

کمی هوا سرد شده و گرمای کوره‌های خرماپزی نشان می‌دهد که فصل خرماچینی به سرانجام رسیده است. امسال هفت و نیم درصد خرمای تولیدی در استان فارس از نخلستان‌های شهرستان گراش برداشت شد.

صالح‌بخش کارشناس ناظر باغبانی در جهاد کشاورزی گراش می‌گوید: با توجه به میل و علاقه مردم شهرستان به رطب به صورت تازه‌خوری برداشت بخش عمده‌ای از رطب در اوایل مردادماه شروع شده و تا پایان شهریور به اتمام رسیده است. کارشناس واحد باغبانی جهاد کشاورزی گراش گفت: از ۱۴۰۰ هکتار نخیلات گراش حدود ۶۳۰ هکتار خرمای آبی و ۷۷۰ هکتار به صورت دیم وجود دارد که سالیانه بالغ بر ۷۶۶۵ تن خرما برداشت می‌شود.

همزمان پایان فصل برداشت خرما جشنواره خرمای خشت نیز برپا شد. مهم‌ترین مناطق خرماخیز فارس شامل لار، خشت، جهرم، فیروزآباد، لامرد، گراش، داراب و فسا در این جشنواره حضور داشتند. سطح زیر کشت استان بالغ بر ۲۴۷۷۳ هکتار است که از این مقدار ، حدود ۱۸۶۱۳ هکتار آن را نخل های بارور تشکیل می‌دهد.

بسیجیان در کوچه و محله

به گزارش وبلاگ اخبار شهرستان گراش معابر و خیابان‌ها و برزن‌های گراش در زیرگامهای استوار بسیجیان سلحشور عضو گردان عاشورای این شهر به لرزه افتاد. رزمایش کوچه و محله گردان عاشوراء و گروهان الزهراء(س) با حضور مسئولین واحدهای مختلف بسیج جان برکف از محل حوزه بسیج سردار شهید قاسم بهادری آغاز و در هوای نیمه تاریک صبحگاهان و پیش از به صدا درآمدن بانگ اذان فجر، عملیات آمادگی کوی و برزن این گردان در بخش اعظمی از شهر به پایان رسید.

در این رزمایش شرکت‌کنندگان با تعقیب و گریز فرضی با دست‌یابی به مرکز تجمع دشمن نسبت به دستگیری و خلع سلاح آنان در کوتاه‌ترین مدت اهتمام کردند. حجت الاسلام حسینی امام جمعه گراش در پایان رزمایش با صلابت از آمادگی دفاعی نیروهای بسیج پرتوان این شهرستان تقدیر وآمادگی دفاعی نیروهای عملیاتی در این رزمایش باشکوه را کم نظیر توصیف نمود.

عکس خبر

تقدیر از ورزشکاران- عکس: سعید سرخی

اسکیت‌بازان برتر گراش

مسابقه پیشکسوتان در هفته‌تربیت‌بدنی

تیم فوتبال هلال احمر گراش – عکس: مجید افشار

Gerishna.com

افسانه گراش
www.gerishna.com

گـــزا...ر..ش
۳
شماره دهم. آبان ۱۳۹۱

پیش‌نهاد دیدنی

قبرستان شیخ حسین، کنار هفت برکه و پشت بانک اقتصادنوین قرار دارد. اگر با بزرگترها بروید بی‌تردید مزار چند آشنا که سال‌ها پیش درگذشته‌اند را به شما نشان خواهند داد. پنجشنبه‌ها شیخ حسین سال به سال خلوت‌تر می‌شود. فرصت زیادی برای دیدن قبرهای صندوقی آن ندارید. گورستان شیخ حسین چند وقت دیگر خراب خواهد شد.

عکس خبر

راهپیمایی روز مبارزه با استکبار جهانی
عکس: محمد جهاندیده

آموزش دوره امداد جاده‌ای/ روابط عمومی هلال احمر

شورای اداری شهرستان گراش در فداغ تشکیل شد/ روابط عمومی فرمانداری

ساخت کانال انتقال آب در فداغ/ عکس: روابط عمومی جهاد کشاورزی

در این شهر کسی تشنه نمی‌ماند

بنوش به یاد حسین(ع)

رضا شیروان
تحریریه افسانه

عرق بود که شرشر از سر و صورت‌ام می‌چکید. ظهر بود و انگار از آسمان آتش می‌بارید. ماشین بدون کولر هم دیگر شده بود قوز بالا قوز، فقط باید حرکت می‌کردم تا کمی باد به همراه گرما که در اصطلاح به آن «تش‌باد» می‌گویند کاهش‌دهنده‌ی عطش‌ام باشد. آب قمقمه تمام شده بود و دیگر هیچ آبی در ماشین یافت نمی‌شد. بعد از نیم ساعت به یکی از شهرهای اطراف گراش رسیدم. ساعت دو بعد از ظهر بود. هر چه دنبال سوپری گشتم که باز باشد، پیدا نکردم. ناگاه به یاد آب سردکن‌هایی افتادم که مردم گراش به عنوان وقف در خیابان‌های شهر گذاشته‌اند و عابرین وقت و بی‌وقت از آب خنک آن استفاده می‌کنند. با خود فکر کردم حتما در این شهر هم آب‌سردکن وقفی پیدا می‌شود. ولی بعد از نیم ساعت گشتن، ناامید به طرف گراش به راه‌ام ادامه دادم.

نوه‌های سقاخانه‌ها

سقاخانه در معماری سنتی ایران به فضاهای کوچکی در معابر عمومی اطلاق می‌شد که اهالی و کسبه برای آب دادن به رهگذران تشنه درست می‌کردند. سقاخانه معمولاً ظروف سنگی بزرگی بودند که آب آشامیدنی در آنها ریخته می‌شد و پیاله‌هایی با زنجیر به آنها بسته می‌شد.

سقاخانه‌ها در ابتدا بیشتر جنبه خدماتی داشتند و بانیان آنها به منظور ثواب بردن، اقدام به ساخت و نگه‌داری آنها می‌کردند. برخی سقاخانه‌ها دائمی بودند و برخی دیگر در زمان‌های خاص، به‌ویژه به هنگام عزاداری محرم، برپا می‌شدند. برای آگاهی دادن به رهگذران در شب، شمع‌هایی در اطراف سقاخانه تعبیه و روشن می‌شد که بعدها جنبه‌ای مذهبی پیدا کرد و کسانی که نذر و نیازی داشتند هر شب جمعه، شمع‌هایی را در سقاخانه‌ها روشن می‌کردند.

گذاشتن آب‌سردکن در معابر سطح شهر، شکل مدرن سقاخانه‌های قدیم است. با توجه به این که در گراش بیش از نیمی از طول سال را در گرمای بالای ۲۵ درجه (که گاه به ۵۰ درجه هم می‌رسد) به سر می‌بریم، ارزش وقف کردن این آب‌سردکن‌ها بیشتر به چشم می‌آید. بعضی از خیرات با کمترین هزینه و بیشترین فکر و اندیشه با توجه به زمان و مکان صورت می‌گیرد که جای بسی مباهات دارد.

تمام آب‌سردکن‌های شهر ما

حبیب بهار یکی از کسبه در بلوار معلم روبه‌روی مدرسه فاطمه‌الزهرا (س) است. داخل مغازه‌اش پشت انبوهی از پنبه نشسته و به زور میز کارش پیداست. صدا می‌زنم؛ «کسی نیست؟» از ته مغازه می‌گوید؛ «بله، بفرمایید!» در عین حالی که بسته‌های پنبه را مرتب می‌کند به حرف‌های من هم گوش می‌دهد. می‌پرسم: «بانی خیر آب‌سردکن روبه‌روی مغازه‌ات را می‌شناسی؟» برای چند دقیقه دست از کار می‌کشد و به حرف‌هایم با توجه بیشتری گوش می‌دهد و بعد می‌گوید: «بانیان اولیه این آب‌سردکن آقایان سراجی و پستی هستند. این آب‌سردکن چند سال خراب و از کار افتاده بود تا اینکه من تصمیم گرفتم برای خیر اموات‌ام دوباره آن را تعمیر کنم. حالا آب خنکی دارد که هر رهگذری می‌تواند از آن استفاده کند.»

بیشتر آب‌سردکن‌های مرکز شهر، آبی خنک دارند و معمولا شلوغ‌تر از بقیه هستند. ولی تک و توکی از این آب‌سردکن‌ها در گوشه‌ای از شهر قرار دارند که شاید گاهی اوقات شلوغ‌تر از آنهایی است که در مرکز شهر قرار دارند؛ از آن جمله آب‌سردکن خیابان مدرسه حسنی. یونس راهپیما صاحب سوپری آخر خیابان مدرسه حسنی است. بعد از پل دوم، آن ته. دویست متری خاکی دارد تا به آن سوپری برسید. ضمن این که از شهرداری می‌گوید و این که حتی از یک سطل آشغال برای مردم آن طرف‌ها دریغ می‌کنند، آدرس دو آب‌سردکن را در آن محله می‌دهد. به گفته خودش داستان یکی از آن دو جالب است؛ «آب‌سردکنی که در باغ جواد غیرتی نصب است، از دست‌مزد یک ماه کارگری یک کارگر تبعه افغانستان است که معروف بود به «سید». آن افغانی خود طبق نذری که داشته این کار را انجام می‌دهد. بعد از چند بار رفت و آمد بین ایران و افغانستان، دفعه آخر در افغانستان کشته می‌شود و این آب‌سردکن از او در اینجا به یادگار می‌ماند.»

نظارت بر آب‌سردکن‌ها

نظارت شبکه بهداشت نیز در این زمینه، خود نکته حائز اهمیتی است که نباید فراموش شود. بعضی از آب‌سردکن‌ها در جای نامناسبی از لحاظ بهداشتی نصب شده‌اند که با نظارت بیشتر بر نصب آب‌سردکن‌های جدید این مشکل حل می‌شود.

پراکندگی آب‌سردکن‌ها در سطح شهر نیز به صورتی نامناسب انجام شده است که این مهم با توجه بانیان خیر به مناطقی که فاقد آب‌سردکن است، به راحتی بر طرف می‌شود.

به گفته مسئولین اداره آبفا، انشعاب آب‌سردکن‌ها باید یا از مغازه و یا از خانه باشد و به تنهایی انشعاب داده نمی‌شود. گاهی اوقات به دلیل بسته شدن یک مغازه یا اجاره دادن خانه و مغازه، تعدادی از این آب‌سردکن‌ها از کار می‌افتد. در حال حاضر تعداد زیادی آب‌سردکن از کار افتاده در سطح شهر داریم که باید فکری به حال‌شان کرد.

آبسردکن روبه‌روی بانک صادرات– عکس: سعید سرخی

	محل		بانی خیر
۱	بلوار معلم، روبه‌روی سوپری نارنج و ترنج	◀	حاج حسین جدی
۲	بلوار معلم، استادیوم، کنار ساندویچی گلها	◀	مرحوم حاج زینل محسن‌فرد
۳	روبه‌روی شهرداری، لاستیک‌فروشی ساوی	◀	حاج محمد عباس‌زوج
۴	کنار پارک نارنج، کنار پمپ بنزین آگین	✖	-
۵	بلوار شهید سعادت، پمپ بنزین آگین	◀	مرحوم حاج عباس کهنسال
۶	بلوار سرداران، روبه‌روی دکوراسیون عرشیا	◀	-
۷	بلوار سرداران، روبه‌روی کباب‌سرای صالح	◀	فاطمه اجرایی
۸	بلوار رسالت، کنار دیوار آتش‌نشانی	◀	آتش‌نشانی
۹	بلوار سرداران، کنار شیرینی سرای یلدا	✖	-
۱۰	بلوار سرداران، فرش سپهر، کنار خانه کشاورز	◀	-
۱۱	بلوار معلم، روبه‌روی مدرسه فاطمه‌الزهرا	◀	آقایان بهادر، سراجی، پستی
۱۲	خیابان امام، کنار بانک تجارت برق روز	◀	آقایان توکلی، فقیهی، منفرد
۱۳	خیابان امام، روبه‌روی ویدیو کلوپ جام جم	◀	-
۱۴	خیابان امام، کنار موسسه مهر	◀	-
۱۵	خیابان امام، روبه‌روی بانک سینا	✖	-
۱۶	خیابان امام، روبه‌روی غذای بیرون‌بر شهر غذا	◀	-
۱۷	خیابان تمیز	◀	مرحوم محمدجواد اسدنژاد
۱۸	اول بلوار سپاه، کنار گالری کفش تهران مد	◀	مرحوم حاج آهنعلی عالیان‌پور
۱۹	خیابان امام، روبه‌روی پارک لاله	◀	تکیه شهدا و قاسم پابرجا
۲۰	خیابان امام، کنار مسجد الغدیر	✖	-
۲۱	خیابان امام، روبه‌روی موسسه ثامن‌الحجج	◀	-
۲۲	خیابان امام، کنار خوار بارفروشی سراجی	✖	-
۲۳	خیابان ریحان، کنار اداره تامین اجتماعی	✖	-
۲۴	میدان شهید برزگران، کنار مسجد شهرداری	◀	-
۲۵	خیابان امام، کنار آرامگاه شیخ عبدالله انصاری	✖	-
۲۶	بالای کلات، کنار آرامگاه شهدای گمنام	◀	-
۲۷	پارک بوستان یاران	◀	-
۲۸	خیابان امام، بیت الزهرا	◀	-
۲۹	خیابان امام، مسجد جوادالائمه	◀	-
۳۰	خیابان امام، باغ ملی سابق	✖	-
۳۱	ابتدای خیابان درمانگاه، بعد از بانک ملت	✖	-
۳۲	خیابان مدرسه حسنی، به طرف باغ موسی	◀	حاج جواد غیرتی
۳۳	خیابان مدرسه حسنی، بعد از پل دوم	◀	علی جمشیدی
۳۴	میدان شهید بهشتی، اداره آموزش و پرورش	◀	-

◀ فعال و قابل استفاده ✖ غیر قابل استفاده

یادداشت

بر همان عهد که بودیم

میثم صمیمی
تحریریه افسانه

داستان بازار لجام گسیخته کاغذ که از ابتدای سال ۹۱ وارد مرحله جدیدی شده، همچنان ادامه دارد و توصیه‌های مقام‌های عالی رتبه و وعده‌ها و راه‌کارهای متولیان نیز گره‌ای از کار نگشوده است.

اوضاع نوسان سکه و ارز و تغییر قیمت‌ها را همه می‌دانند اما اهالی مطبوعات نجیب‌تر از آن هستند که بخواهند استرس این همه آشفتگی بازار کاغذ و افزایش قیمت چاپخانه را به مخاطبان خود منتقل کنند. این که اهالی مطبوعات صورت خود را با سیلی سرخ نگه می‌دارند، مساله جدیدی نیست؛ هر چند که این روزها سیلی‌ها محکم‌تر نواخته می‌شود و صورت‌مان هم سرخ‌تر است. حالا اگر در این شرایط «آش نخورده و دهن سوخته » شوی چه احساسی به آدم دست می‌دهد؟

روزی یکی از مخاطبان نشریه پس از تورق آن با لحنی کنایه‌آمیز گفت: «خب الحمدلله که دولت از این نشریه به اندازه کافی حمایت می‌کند که هم تعداد صفحات رنگی‌تان زیاد است هم به نسبت، قیمت نشریه پایین است.» آن روز این سخن کمی دلخورمان کرد اما در نهایت حق را به آن مخاطب محترم دادیم. چون شاید در نگاه اول از یافته‌هایش می‌توانست چنین نتیجه‌ای بگیرد. اما واقعیت چیز دیگری است. نشریه افسانه گراش و تیم موسسه هفت برکه در این شش سال هیچ کمک ویژه‌ای از نهادهای دولتی نگرفته است و هر آن چه به افسانه گراش تعلق می‌گیرد، فقط از راه همین آگهی‌ها است و بس.

با این حال با توجه به شناختی که از مخاطبان خود داریم، سعی کرده‌ایم کمترین تغییر را در قیمت و صفحات رنگی داشته باشیم. یکی از دوستان به طعنه می گفت: شاید تنها کالایی که ظرف چند مدت گذشته تغییر قیمت نداده افسانه گراش باشد و همین پایمردی شماست که دیگران را به این ظن می‌رساند که حتما به نهادی یا جایی وابسته هستید. آن چه گفتیم نه از جنس نق‌زدن های داخل تاکسی و اتوبوس بود و نه سیاه‌نمایی‌های سیاسی. بیان دغدغه بود. باور داریم که در پس هر سختی آسانی است. پس با توکل، این روزها را پشت سر می‌گذاریم. مخاطبان افسانه گراش جزء شریف‌ترین و عزیزترین اقشار جامعه هستند. همین عامل، بزرگ‌ترین انگیزه ما برای تحمل روزهای سخت است. در این راه کم‌فروشی نخواهیم کرد و تا آنجا که در توان باشد، سعی می‌کنیم رضایت مخاطبان را کسب کنیم.

حوادث

تصادف‌های مرگبار و بازگشت سرعت‌گیرها

مرگ دو نفر و چندین تصادف دیگر در خیابان امام باعث شد که موضوع تصادف‌های رانندگی به بحث روز مردم تبدیل شود. شهرداری نیز با نصب دوباره سرعت‌گیرها در خیابان اصلی دست به کار شد.

دو شب متوالی دو تصادف باعث شد که یک بار دیگر خیابان امام به قلب حوادث تبدیل شود. ۲ آبان ساعت ۱۹ روبه‌روی بانک سینا یک پراید با یک موتورسیکلت برخورد کرد. راننده زن خودرو پراید از سمت باغ ملی در حال دور زدن بود که با موتورسیکلتی برخورد می‌کند. نتیجه حادثه شکستگی پاهای دو موتورسوار بود. شب بعد در ساعت اولیه شب این‌بار روبه‌روی پارک لاله دو موتورسیکلت با یکدیگر برخورد می‌کنند و مصدومین این حادثه نیز راهی بیمارستان شده‌اند اما مصدومیت آن‌ها شدید نبود.

اما حادثه اصلی پنجشنبه دو آبان رخ داد. پژو ۲۰۶ سیاه رنگ در اثر سرعت زیاد از جاده خارج شد و تنها پس از برخورد با تیر برق بود که از حرکت ایستاد. حسین شوری سرنشین ۱۸ ساله خودرو در بیمارستان گراش درگذشت و دوست او برای ادامه مداوا به جهرم منتقل شد. حادثه در بلوار رسالت روبه‌روی بوستان یاران اتفاق افتاد و تا ساعتی خودرو از شکل افتاده در حاشیه خیابان افتاده بود.

روز بعد خبر تصادف دیگری منتشر شد. این بار در سوی دیگر شهر در روبه‌روی ایستگاه برق گراش نگهبان یکی از باغ‌ها قربانی سرعت زیاد راننده خودرو شد. مقصر این حادثه از محل متواری شد تا تلخی این اتفاق بیشتر شود.

شهرداری گراش بعد از کشیدن خطوط عابر پیاده در نقاط پرتردد اکنون نصب سرعت‌گیرها را نیز شروع کرده است. نخستین سرعت‌گیر زرد رنگ در نزدیکی سه راه آبیاری نصب شد. سرعت‌گیر بعدی در سه راه درمانگاه نصب شده است و سرعت‌گیرهای دیگر نیز در راه است. با وجود همه این‌ها هیچ چیز همانند دقت در رانندگی و رعایت مقررات نمی‌تواند جلو این حوادث خونبار را بگیرد. در آینده بیشتر از تصادف‌های رانندگی خواهیم نوشت.

گزارش

روز نیایش در دامنه‌ی کوه سرخ

سمیه کشوری
تحریریه بانوان

این بار عصر پنجشنبه دانشجویان معرفت راهی دانشکده شده بودند. مردانی و زنانی که پیاده یا با هر وسیله دیگر خود را به دامنه کوه سرخ رسانده بودند تا عصر روز نیایش را به نجوای دعای عرفه بگذرانند.

مراسم دعای عرفه امام حسین علیه السلام در عصر عرفه، پنج شنبه ۴ آبان برابر ۹ ذی‌الحجه با حضور انبوه مردم مسلمان گراش در مسجد دانشکده علوم پزشکی برگزار شد.

کربلایی محمد ایرانی از شهر قم دعای عرفه امسال را خواند. این مراسم ساعت دو و سی دقیقه بعدازظهر شروع و نزدیک غروب آفتاب به پایان رسید. البته به خاطر کمی وقت و پرداختن فراوان به ذکر مصیبت، دعای عرفه کامل خوانده نشد.

استقبال مردم و البته بیشتر خانم‌ها تا اندازه ای بود که به دلیل کمبود جا در داخل و حیاط مسجد، زیلوهای بسیاری در بیرون از مسجد برای پاسخگویی به استقبال مردم پهن شده بود. مساله‌ای که در پایان مراسم به چشم می‌خورد و باعث تاسف است آشغال‌های به جا مانده بود که باد پاییزی آن‌ها را به این سمت و آن سمت می‌برد.

امسال برای آسایش خیال مادران بخشی برای نگهدای موقت و بازی کودکان در نظر گرفته شده بود.

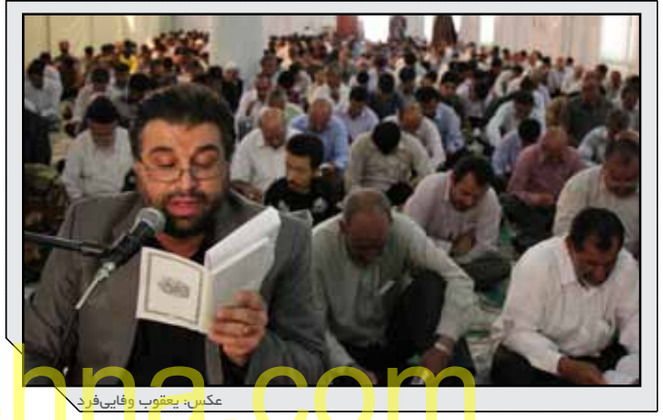

عکس: یعقوب وفایی‌فرد

گزارش

بچه‌ها مشق انتخابات نوشتند

همزمان با سراسر کشور صبح چهارشنبه سوم آبان‌ماه، دانش‌آموزان گراشی برای انتخابات نمایندگان خود در شورای دانش‌آموزی پای صندوق رای رفتند.

به گزارش روابط عمومی آموزش و پروش شهرستان گراش درمدرسه راهنمایی شاهد دانش‌آموزان با شور نشاط و با برنامه‌ریزی قبلی این انتخابات را برگزار کردند. رضا سوزنده متولد ۱۳۷۸ دانش‌آموز کلاس سوم الف یکی از کاندیداهای این شورا می‌گوید اگر دانش آموزان به من رای دهند اردوهای دانش آموزی را گسترش داده و در ایجاد نظم و ارتقاء بهداشت مدرسه تلاش می‌کنم.

امیر حسین حسن‌نژاد دیگر کاندیدای انتخابات دانش آموزی اجرای مسابقات فوتبال، قرآن، تعامل دانش آموزان با کارکنان آموزشگاه و تعمیر تور والیبال، فوتبال و آسفالت زمین ورزشی مدرسه را از برنامه های خود بیان می‌کند. هادی افشار نیز می‌گوید درصورت انتخاب به عنوان نماینده شورای دانش‌آموزی امکانات ورزش کوهنوردی،طناب‌کشی و شنا را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند.

ستاد های انتخاباتی شورای دانش آموزی از مهرماه امسال در مدارس برای برگزاری انتخابات و رقابت سالم کار خود را آغاز کردند. شورای دانش آموزی فرصتی مناسب برای مشارکت عملی دانش‌آموزان در توسعه و تقویت فعالیتهای آموزشی،تربیتی،فرهنگی و هنری است. بعضی از شعارهای تبلیغاتی کاندیداها دیدنی و قابل تامل است.

انتخابات در مدرسه راهنمایی شاهد– عکس: روابط عمومی آموزش و پرورش

همکار گرامی
فرزانه نادرپور
نبریک
برای حس قشنگ
خاله شدن
پرنیان‌تان پاینده‌باد
همکاران شما در افسانه گراش

جناب آقای علی داوری‌فرد
ازدواج ورود به فصلی نوین و معنای واقعی کمال و تفاهم است. خوشبخت باشید و بهترین تبریک ما را پذیرا باشید.
همکارانت در تحریریه نشریه افسانه گراش

آقای علی اکبر شاه محمدی
زندگیتان با آمدن فرهاد کوچولو رنگ بهاری بخود گرفت و سرسبزی به بار آورد. بهترین تبریکات ما را پذیرا باشید.
همکارانت در تحریریه نشریه افسانه گراش

Grishna.com

افسانه گراش
www.gerishna.com

۴ ر...و...ز...ه...ا
شماره دهم. آبان ۱۳۹۱

پیش‌نهاد کتاب

اگر حوصله کتاب‌های ادبی را ندارید می‌توانید «شخصیت عصبی زمانه ما» نوشته «کارن هورنای» را بخرید یا از کتابخانه بگیرید. این کتاب به ما نشان می‌دهد که تاثیر محیط و جامعه روی فرد چقدر می‌تواند زیاد باشد و یک نفر تحت چه عواملی قلدر، منزوی یا مهرطلب می‌شود و به طور کلی فشار جامعه چه بلایی سر حال و روز مردم آورده است.

گزارشی از وضعیت کتابخانه‌های گراش در آستانه هفته کتاب

کتاب‌ها در خانه‌های اجاره‌ای

آخرین بار کی به کتابخانه رفتید؟ یا اصلاً آخرین بار کی یک کتاب به دست گرفتید؟ اگر به دنبال بهانه برای جواب نه خود می‌گردید کار سختی نیست. ساختمان کتابخانه شماره یک چهار سال پیش تخریب شد و اکنون پارکینگ خودروهای تاکسی تلفنی گراش است و کتابخانه شماره دو هم دور از شما در آبشار اندیشه قرار دارد و حتی هنوز افتتاح هم نشده تا از وجود آن با خبر باشید.

۲۰ تا ۲۷ آبان بیستمین هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران برگزار می‌شود تا یک بار دیگر به یاد مصائب کتاب‌نخوانی بیافتیم. سال‌های گذشته می‌شد در این هفته با یک مسابقه کتابخوانی و یا نمایشگاه کتابی کمی به یاد کتاب افتاد. جعفرزاده سرپرست اداره کتابخانه‌های عمومی گراش می‌گوید: در هفته کتاب سال ۹۰ برنامه‌های متنوعی از جمله مسابقه نقاشی آموزشگاهی، مسابقه مقاله‌نویسی طلاب و دانشجویان و بنرهای تبلیغاتی کتابخانه در سطح شهر نصب شد. اما ممکن است امسال خبری از این برنامه‌ها نیز نباشد. کتابدار قدیمی کتابخانه عمومی گراش می‌گوید برای چندمین بار از ریاست اداره کتابخانه‌های عمومی شهرستان گراش استعفا داده است و احتمالاً این بار استعفای او پذیرفته شود.

عکس: سعید توکلی

محمد خواجه‌پور
تحریریه افسانه

اولین جلسه انجمن کتابخانه

یک ماه مانده به هفته کتاب ۲۵ مهرماه اولین جلسه انجمن کتابخانه‌های عمومی گراش در فرمانداری برگزار شد. به گزارش روابط عمومی فرمانداری، فرماندار به عنوان رییس این انجمن گفت: علی‌رغم پیشرفت‌های زیاد در فن‌آوری‌های جدید و فضای مجازی، همچنان شیوه سنتی مطالعه که همان انتشار کتاب و کتاب خوانی است، جایگاه خود را حفظ نموده است.

وی مقوله کتاب و کتاب خوانی و تربیت کتاب خوان را یکی از شاخص‌های اصلی توسعه برشمرد و بر توجه بیشتر متولیان این امر تاکید کرد: مدیریت و اداره جامعه‌ای که مردم آن سطح دانش، بینش و فرهنگ عمومی خود را از طریق مطالعه، تحقیق، تفحص و تدبر ارتقا داده‌اند به مراتب آسان‌تر از جامعه‌ای است که مردم آن فاقد این خصوصیات باشند و در مقابل تهاجم فرهنگی و حتی نظامی و اقتصادی بیگانگان نیز کمتر تاثیر می‌پذیرند یا مرعوب می‌شوند.

کتابخانه عمومی محبی

در این جلسه در مورد نامگذاری کتابخانه عمومی شماره یک تصمیم‌گیری شد. این کتابخانه به نام اولین بانی آن از این به بعد«کتابخانه محبی» نامیده می‌شود. ساختمانی که زین‌العابدین محبی در سال ۱۳۴۷ ساخته بود سرانجام در سال ۱۳۸۷ خراب شد. از آن زمان تلاش برای ساخته شدن دوباره کتابخانه آغاز شد. در حال حاضر این کتابخانه مستاجر طبقه دوم ساختمان پاساژ امام حسین(ع) است و زمین کتابخانه پارکینگ خودروها است تا تکلیف ساخت کتابخانه در آن مشخص شود.

با افزوده شدن دو نفر کتابدار به جمع کتابداران گراش، نوبت عصر کتابخانه عمومی شماره یک بعد از هشت ماه وقفه دوباره فعال شده است. با فعال شدن شیفت عصر، دانش‌آموزان امکان استفاده از کتابخانه عمومی را پیدا می‌کنند. کتابخانه عمومی محبی همه روزه از ساعت هفت و نیم صبح تا هفت و نیم شب باز است.

کتابخانه دوم فعال است

کتابخانه آبشار اندیشه ۹۰/۴/۲۲ با قراردادی به مدت ده سال به صورت غیر وقفی به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور واگذار شد تا به نام کتابخانه عمومی شماره ۲ گراش شناخته شود. با وجود این که این کتابخانه از بهمن ۹۰ آماده است اما هر بار افتتاح آن به تاخیر می‌افتد.

به نوشته سایت آبشار اندیشه، احمد نوروزی به عنوان نایب رئیس هیات مدیره فرهنگسرای آبشاراندیشه در جلسه انجمن به ارائه گزارشی از مشکلات و نواقص کتابخانه عمومی آبشاراندیشه پرداخت. نوروزی خواستار رفع مشکلات از طریق اداره کل کتابخانه های عمومی فارس و انجمن کتابخانه های عمومی شهرستان شد. طبقه دوم کتابخانه آبشار اندیشه آماده بهره‌برداری است و نیاز به تجهیزات و پرسنل دارد. به جز مخزن کتاب، ساختمان کتابخانه دارای چهار سالن مجزای مطالعه است که سالن‌های نشریات، مطالعه خواهران و برادران و سالن کودکان در طبقه همکف و بالای کتابخانه در نظر گرفته شده است. سالن اینترنت هم در طبقه بالای کتابخانه وجود دارد که کار تجهیز آن بر عهده اداره کل کتابخانه‌ها است.

با وجود تاخیر در افتتاح کتابخانه آبشار اندیشه، این کتابخانه فعالیت خود را از ابتدای سال ۹۱ آغاز کرده است. با افزوده شدن یک نفر به پرسنل، کتابخانه سه روز اول هفته از ساعت ۷:۳۰ تا۱۹:۳۰ و روزهای سه‌شنبه ، چهارشنبه و پنج شنبه ساعت ۱۱:۳۰ تا ۱۸:۳۰ باز است. از بخش‌های جذاب کتابخانه آبشار اتاق کودک این کتابخانه است.

چرا کتابخانه افتتاح نشد؟

خانم جعفرزاده سرپرست اداره کتابخانه‌های عمومی در مورد دلیل تاخیر در افتتاح کتابخانه عمومی آبشار اندیشه می‌گوید: جلسه‌ای در فرمانداری با حضور فرماندار وقت آقای خواست‌خدایی داشتیم که ایشان تاکید داشت مراسم افتتاح باشکوه و حتماً با حضور مهندس اردکانی معاون عمرانی استانداری برگزار شود. تاریخ افتتاح تعیین شد ولی روز قبل از افتتاح از فرمانداری تماس گرفتند که مراسم به علت مشغله زیاد آقای اردکانی به بعد موکول شود.

بعد نیز برای افتتاح پیگیری شد ولی یک بار دیگر به دلیل فوت ناگهانی مسئول تاسیسات آبشار اندیشه مراسم به تاخیر افتاد. اکنون نیز در اداره کل کتابخانه‌های عمومی فارس آقای محسن اسماعیل‌پور جانشین خانم بابایی شده‌اند. مجدداً مدارک مربوطه را برای ایشان ارسال کرده‌ایم و امیدواریم هر چه سریع‌تر این کتابخانه به صورت رسمی افتتاح شود. خانم جعفرزاده می‌گوید با پی‌گیری‌های به عمل آمده امیدواریم در آینده‌ای نزدیک سامانه و کد آن نیز از طریق نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور تعیین شده و نشریات و کتاب به صورت ماهانه ارسال شود.

بهانه نباشد

با این اوصاف دیگر نباید برای کتابخانه نرفتن بهانه بیاورید. کتابخانه شماره یک، صبح و عصر باز است. اگر هم به دنبال یک محیط بزرگتر هستید کتابخانه عمومی آبشار اندیشه به اندازه کافی جا و کتاب دارد. به جز این‌ها مسجد صاحب‌الزمان و مسجد ولی‌عصر نیز کتابخانه‌هایی همراه با سالن مطالعه دارند.

در گراش به جز این دو کتابخانه، اداره کتابخانه‌های عمومی گراش زمینی در بلوار شهدا نیز دارد که برای آینده دور می‌تواند یک کتابخانه دیگر باشد البته اول باید دید کی زمین روبه‌روی شیخ عبدالله از پارکینگ ماشین‌ها به خانه کتاب‌ها تبدیل می‌شود.

با این اوضاع باید به فکر بخش ارد و دهستان‌های فداغ و خلیلی بود. روستاهایی که تنها کتابخانه‌های آن محدود به کتاب‌های موجود در کانون فرهنگی برخی از مساجد است و به شدت نیازمند داشتن کتابخانه عمومی هستند. رییس اداره کتابخانه‌های عمومی گراش می‌گوید پیگیری‌هایی برای ساخت کتابخانه در چهار روستا داشته ولی نامه‌های او بی‌پاسخ مانده است.

معمولاً هر سال در هفته کتابخوانی، ثبت‌نام کتابخانه‌ها رایگان است. بد نیست در این هفته سری به یکی از کتابخانه‌های شهر بزنید و صاحب کارت زیبای یکی از کتابخانه‌های شهر شوید.

روز عرفه در روستای چاه‌کور

اشک‌های‌شان آرام‌بخش بود

مصطفی کارگر
تحریریه افسانه

از گراش به سمت خنج که حرکت کنی و بعد به سمت محمله بپیچی، می‌رسی به علامرودشت و چند کیلومتر دیگر می‌رسی به روستایی که تا آن روز برای اولین بار اسمش را شنیده‌ای. روستای چاه‌کور. زیبایی یک روستای جنوبی را دارد و البته حال و هوای خاص خودش. از دور گنبد سبزرنگ مسجد و حسینیه‌ی نوساز و زیبای وسط روستا خودنمایی می‌کند. مخصوصا که هر دو تمیز و شیک بودند و طبق صحبت پیش‌نماز‌آنجا، تازه می‌فهمی حسینیه را گراشی‌ها ساخته‌اند هرچند نام بانی را به یاد نیاورد. و چه با جلال و جبروت و آبرومندانه بود.

روز عرفه و قرائت دعای عرفه تو را به اینجا کشانده باشد، فرصت خوبی‌ست تا کمی به‌دور از دغدغه‌های هرساله روز عرفه در شهر خودت باشی. روستا ۱۵۰۰ نفر جمعیت و ۵ شهید دارد و حدود ۳۰۰ نفر در مراسم شرکت کرده بودند. ساعت ۳:۳۰ عصر رسیدم و تا ساعت ۸ شب آنجا بودم.

در حیاط حسینیه و زیر آسمان خدا دعا خوانده شد. وقتی وارد شدم، همه (زن و مرد) آماده نشسته بودند و در زمان قرائت دعا، کمتر کسی به جمع اضافه شد. این یعنی تمام کسانی که قصد شرکت داشته‌اند، سر ساعت آمده بودند. از این خیلی خوشم آمد. مراسم یک ساعت و ۴۵ دقیقه طول کشید و مردم ۱۰ دقیقه فرصت داشتند برای نماز به امامت یک معتمد غیر روحانی به نام سیدحسن آماده شوند. محبت و تشکرشان را مکرر دیدم و از صداقتشان مستفیض شدم. اشک‌های‌شان آرام‌بخش بود.

بعد از نماز جماعت مغرب و عشا در حسینه، دعای کمیل را هم زمزمه کردیم. و چقدر زیبا همراهی کردند.

در فضای کتاب‌خانه روستا، واقع در مجتمع فرهنگی قمربنی‌هاشم(ع) شام خوردیم و همزمان چشمم به کتاب‌های‌هاشان افتاد. بعد از شام، با آن‌ها سری به کتابخانه‌شان زدم که نزدیک به دو هزار جلد کتاب داشت و تعجب کردم از کتاب‌های خیلی خوب و به‌روزشان. از کتاب‌های کنکوری گرفته تا رمان‌های روز و مطرح ایران و جهان و مجموعه شعرهای خوب و کتاب‌های تحلیلی سنگین و تاریخی و هنری و دینی و یک دوره لغت نامه دهخدا. طبق صحبت محمد میر، همه روزه باز است و در منطقه، تک است این کتابخانه.

در مسیررفت همراه شیخ محمد میر و با ماشین برادرش شیخ‌حسن رفتیم که سرعت رانندگی‌اش هم خوب بود. برای برگشت شیخ محمد ماند و با شیخ حسن برگشتیم. و حالا چاه‌کور در ردیف همان جاهایی‌ست که رفته‌ام و محبت‌شان را فراموش نمی‌کنم.

یک روز صد خاطره

خاطره‌ها شیرین‌ترین سوغاتی حج

کم‌کم حاجیان امسال از مکه برمی‌گردند و آنانی که بعد از سال‌ها انتظار سرانجام به این سفر معنوی رفته‌اند به جمع خانواده خود بر می‌آیند. تا چند روز و گاهی تا چند سال حاجیان خاطرات شیرین این سفر را با دوستان و خانواده مزه‌مزه می‌کنند.

فاطمه یوسفی
تحریریه بانوان

عربی آو نِخَردَه

فرزانَه تعریف می‌کند: دوربین را روی چهره‌ی غریبه‌هایی که با شتاب حرکت می‌کردند و مکان‌هایی که خیلی‌ها آرزوی دیدن آن را داشتند می‌چرخاندم و با دوستم زهرا به سمت روضه رضوان حرکت می‌کردیم. به محل تفتیش که رسیدیم، یادم آمد بردن دوربین در روضه رضوان ممنوع است. وارد جایگاه تفتیش شدیم. زهرا جلوتر از من رفت و من داشتم خودم را آماده می‌کردم برای تفتیش تا هر طور شده موقعیت را ماست‌مالی کنم؛ ولی ناگهان دیدم زهرا مثل فرشته نجات به طرفام آمد و چادرش را گرفت جلوی من و با جسارت و شجاعت خاصی گفت: «فرزانه، زود باش دوربین رو بذار تو کیفم، من رو یک بار تفتیش کردن، دیگه نمی‌کنن.»

به سمت ورودی حرکت می‌کردیم که یک خانم عرب از پشت سر با صدای بلند داد کشید: «خیانت، خیانت. مصادره. مصادره» فهمیدیم لو رفته‌ایم. گیر داده بودند به زهرا که کیفاش را باز کند تا دوباه تفتیش شود. زهرا که از ترس مثل بید به خودش می‌لرزید با حالت عجیبی دست‌هایش را به سینه می‌کوبید و بعد به سمت آسمان اشاره می‌کرد و پشت سر هم و بی‌وقفه می‌گفت: «الله، الله، زوجه، زوجه. لا. لا!» داشتم هاج و واج نگاهش می‌کردم که حالا با این دایره‌ی لغات قوی که از زبان عربی دارد، می‌خواهد چه بگوید؛ که زن عرب نگاه عاقل اندر سفیهی به زهرا انداخت و بعد چیزهایی زیر لب زمزمه کرد که فکر کنم معنی‌اش این می‌شد: «بیا تو با دوربینت برو! از خیر تو گذشتیم» و احتمال می‌دهم آخرش هم گفته باشد «خدا بهت شفا بده.» از آن مخمصه که خلاص شدیم به زهرا گفتم: «حالا بگو ببینم اون‌جا چی داشتی با خودت بلغور می‌کردی؟» گفت: «تو نمیدونی، داشتم می‌گفتم تو رو خدا، دوربین مال شوهرمه، مصادره‌اش نکنید.» یادم باشد برای تقویت زبان عربی‌ام که شده حتما از حضور این استاد فداکار و جسور مستفیض شوم.

قبله کدوم وریه؟

محسن می‌گوید: گوشه‌ای روبه‌روی کعبه نشسته بودم و عظمت و روحانیت فضا را احساس می‌کردم که مردی که مشخص نبود از کدام کاروان و گروه است، نزدیکام آمد و گفت: «ببخشید آقا! شما نمی‌دونید اینجا قبله کدوم طرفیه؟» من که چند لحظه‌ای از این سوال هنگ کرده بودم و خودم هم گیج شده بودم گفتم: «نمی‌دونم والله!» بعدش پوزخندی زدم و گفتم: «فکر کنم قبلاً قبله طرف خانه‌ی خدا بود، احیانا شما این اطراف کعبه را با این عظمت‌اش ندیدید؟!»

آرزوهای دراز

مریم می‌گوید: شنیده بودم وقتی برای بار اول خانه‌ی خدا را ببینی و آنجا در حال سجده چند آرزو کنی، آرزوهایت حتما برآورده می‌شود. من و خواهرم به همراه گروه، وقتی برای بار اول کعبه را دیدیم به سجده افتادیم. در آن حالت داشتم تمام آرزوهای خودم و دوستان‌ام را در ذهنم مرور می‌کردم که یک‌دفعه یکی به شانه‌هایم زد و گفت: «پاشو دیگه، جا موندید.» سرم را که بلند کردم فقط خواهرم را دیدم که کنارم نشسته بود و همه‌ی گروه رفته بودند تا اعمال مخصوص را انجام دهند. فهمیدم بالاخره لیست بلند آرزوهایمان دارد کار دست‌مان می‌دهد. سریع بلند شدیم و با چرخش نود درجه‌ای سر و گردن‌مان به دنبال گروه گشتیم تا از اعمال مخصوصی که در انجام دادن آن ناشی بودیم جا نمانیم و در کل میان جمعیت گم نشویم. این بود عاقب آرزوهای دور و دراز ما در خانه‌ی خدا.

آفرین، آفرین

ایوب اسدی که چند سال قبل به مکه مشرف شده بودند خاطره‌اش را برایم تعریف می‌کند: اعمال مخصوصی وجود دارد که در حین انجام دادن آن نمی‌بایست به خانه‌ی خدا دست زد. بعد از انجام دادن آن اعمال به استراحتگاه برگشتیم. راهنمای گروه که یک روحانی بود، برای این که بفهمد چه کسانی در حین انجام دادن و خواندن ذکرها به خانه‌ی خدا دست زده‌اند، پرسید: «کسی هم موفق شد به خانه‌ی خدا دست بزند؟» یکی از مردان میان‌سال دستان‌اش را بالا گرفت و با افتخار گفت: «من موفق شدم دو بار به خانه‌ی خدا دست بزنم.» راهنمای گروه هم سری تکان داد و جواب داد: «آفرین! که این‌طور؟! پس باید از اول تمام آن اعمال و ذکرها را به جا بیاوری.» آن موقع بود که مرد میانسال فهمید چه اشتباهی کرده است.

ماه حج

حجکم مقبول

گروهی از همشهریان‌مان امسال توفیق زیارت خانه خدا را یافتند. به دنبال سیاهه اسامی گشتیم تا بتوانیم زیارت قبول و خسته نباشیدی به آن‌ها بگوییم.

مطمئناً برخی از اسامی از قلم افتاده است. تلاش ما برای گرفتن اسامی از کاروان‌های زیارتی بی‌پاسخ ماند اگر نامی از قلم افتاده است به بزرگواری خودتان ببخشایید.

- سکینه اسدی لاری
- امراله امانتی
- احمد امانتی
- گلدسته امانتی
- صدیقه امانی
- لیلا انصاری
- عبدالرضا ایزدی
- عباس ایزدی
- جهانگیر آذرآیین
- شاجهان آذرمهر
- خدیجه آذرمهر
- حبیبه آذرمهر
- رقیه باقرزاده
- محمدجواد باقرزاده
- محمدعلی برازش
- خدیجه برازش
- زبیده برازش
- قدرت بهمن پور
- کلثوم پورافشار
- اسد پورشمسی
- رویا پورکریمی
- رستم تهمتن
- معصومه جابری
- زبیده جابری
- صفیه جاوید
- صدیقه حسنی
- ابوالحسن حسنی
- حمیدرضا حسنی گراشی
- شیرزاد حقارت
- حسن خبازی
- علی خبازی
- ابوالحسن خبازی
- قاسم خواجه‌پور
- مجید خواجه‌پور
- مرضیه خواجه‌زاده
- زهرا خواجه‌زاده
- نرگس خواجه‌زاده
- شاه‌بی‌بی خواجه‌زاده
- احمد خواجه‌زاده
- محمدرضا خواجه‌زاده
- خسرو خواجه گراشی
- داداله دادوند
- قاسم دانشور
- محمود دانشور
- صفیه دانشور
- اصغر دانشور
- بابا رادمرد
- معصومه رادمرد
- سهیلا رادمرد
- معصومه رادمرد
- حوریه رستم پور
- جعفر رسولی نژاد
- شاه‌بی‌بی رسولی نژاد
- محمد زارعی
- ابوالحسن زارعی
- فاطمه زیارتی
- حسن سیاح
- غلامحسین شکاری
- شکراله شیرشمسی
- صفیه صادق فرد
- فاطمه نسا صادقی
- عبدالحسین صادقی
- رحمت صحراگرد فرد
- احمد صحراگرد فرد
- حمیرا طوافی
- سکینه طوافی
- اصغر عالمی
- غلامرضا عالمی
- فرج الله عالمی
- خلیل عالمی
- صغری عالمی
- پروین عالی‌زاده
- زهرا عباسپور
- صفیه علی‌پور
- سکینه علی‌پور
- فاطمه غفاری
- حسن قاسمی
- حسن قربانی
- ماه خانم کیایی
- علی مدرسی
- رقیه معصومی
- محمود مقدسی
- عباس مهرابی
- نرگس مهرابی
- رقیه موغلی
- عبدالعزیز نادرپور
- احمد نوروزی
- حسین نوروزی
- نوشادی
- اصغر نیکخو
- احمد نیکخو

آگهی‌های افسانه

Grishna.com

افسانه گرش
www.gerishna.com

پیش‌نهاد فکر

مهاتما گاندی می‌گوید:
آنچه ما را به نابودی خواهد کشاند از این قرار است:
سیاست بدون اصول، لذت بدون وجدان،
علم بدون شخصیت و تجارت بدون اخلاق.

نگارخانه

در نگارخانه این ماه نقاشی‌ها و طرح‌های نرگس دانشور را می‌بینید.
خانم دانشور دیپلم نقاشی دارد و کارشناسی گرافیک می‌خواند.
کارهای او را می‌توانید در وبلاگ جلوه هنر ببینید.
harmonyerang.blogsky.com

یک زندگی

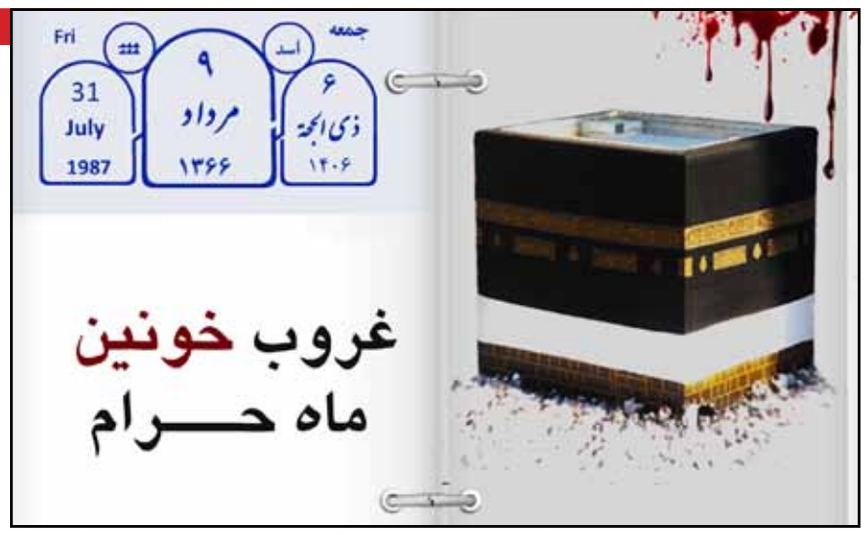

راحله بهادر

تحریریه بانوان

دمادم غروب روز ششم ذی‌الحجه‌ی سال شصت و شش بود. از همه‌ی ملیت‌ها آنجا جمع شده بودند. پلیس‌ها از بالا و پایین، جمعیت را محاصره کردند و از توی ساختمان‌های نیمه‌کاره سنگ و توپ‌های آتش و شیشه و هر چه دم دستشان بود به سمت مردم پرتاب می‌کردند. از توی خیابان، ماشین‌های آتش‌نشانی آب جوش و پلیس‌ها گاز اشک‌آور به سمت مردم می‌ریختند. همان جا، جلوی چشم ما، شاید بیش از چند صد نفر جان دادند. آدم بود که یکی بعد از دیگری، می‌افتاد کف خیابان و جان می‌داد. از وضعیت پدرم بی‌خبر بودم. تا یک جایی، دستم توی دست مادرم بود. اما جمعیت موج می‌زد و فشار زیادی می‌آوردند. دستم از دستش رها شد و افتادم روی زمین. کفش‌ها و قمقمه‌هایمان را جا گذاشتیم و از هم دور افتادیم. فقط دیدم که مادرم را کشتند و بیهوش افتادم روی زمین. نمی‌دانم بعد از چند دقیقه؛ اما وقتی به هوش آمدم، درگیری تقریبا تمام شده بود و کمتر صدای شلیک به گوش می‌رسید. کسانی که مثل من فقط زخمی شده بودند، پلیس بهشان کمک می‌کرد تا بلند شوند. به یکی از امدادگرها گفتم که مادرم را کشتند. اما آنها می‌گفتند، جلوی دشمن خونسردی‌تان را حفظ کنید.

روز هفتم ذی‌الحجه

آن روز قرار بود آنجا راهپیمایی برائت از مشرکین برگزار بشود. بعد از ظهر روز جمعه بود. من و مادرم و پدرم با هم آمده بودیم حج. پدرم کمی کسالت داشت و انگار سرما خورده بود. به مادرم گفتم که چون پدر مریض است، بهتر است پیش او بماند. بعد یک لیوان آب پرتقال برایش آورد و کمی که استراحت کرد و حالش بهتر شد، رفتیم به سمت بعثه‌ی امام. فقط مادرم غسل کرد و لباس احرام پوشید و من و پدرم لباس احرام نپوشیدیم. ساعت نزدیک سه یا سه و نیم بود. خیابان ابوسفیان که به بعثه‌ی امام ختم میشد، پر از جمعیت بود. نیروی انتظامی ایران هم آمده بودند. آقای کروبی سخنرانی کرد و ما به خاطر شلوغی و سر و صدای جمیعت خوب سخنرانی را نمی‌شنیدیم. مادرم گفت یک جای خلوت بنشینیم و به سخنرانی گوش دهیم. مردم شعار می‌دادند. با مردم حرکت کردیم و نزدیک یک پل رسیدیم. یک گروه می‌رفتند و یک گروه برمی‌گشتند. تا چشم کار می‌کرد آدم بود. از قبل شک کرده بودیم که اوضاع غیرعادی است. وقتی می‌خواستیم برویم مسجدالحرام، پلیس‌ها چند برابر روزهای قبل و کاملا آماده و مسلح بودند. بعد از حادثه، از آنجا به کمک امدادگرها بلند شدم و تا اوایل شب در همان وضعیت بودیم. ساعت نزدیک یازده شب بود. حکومت نظامی بود و امدادگرها ما را از محل حادثه دور کردند و رساندند به ساختمان‌های نیمه کاره. بعضی‌ها هم توی مغازه‌های خالی سنگر گرفته بودند. امدادگرها دور تا دور ساختمان، برای حفظ امنیت ما ایستاده بودند. وضعیت بدی بود. به هر کس نگاه می‌کردم، یا دستش قطع شده بود یا پایش. بعد، امدادگرها به جمعیت گفتند باید بدانید کجا بروید و هر کس محل استقرار و هتل خودش را باید پیدا کند و برود. جمعیت از داخل ساختمان‌ها آمدند بیرون و هر کس به سمتی می‌دوید. تک تک یا دو نفری و چند نفری. میدان ساعت بود. به یک تیر چراغ برق تکیه دادم. خسته و درمانده و ناامید بودم. از همه می‌ترسیدم و نمی‌دانستم کجا بروم. توی آن چند روز، در مسیر رفت و برگشتمان هیچ وقت به آدرس و نشانه‌ها توجه نکرده بودم. سوار یک وانت شدیم و وقتی جایی پیاده شدم، فقط می‌دویدم. یک هندی را دیدم که وقتی مرا در آن وضعیت دید، پرسید چه شده. کارتم را نشانش دادم و توضیح دادم. مرا تا جایی همراهی کرد و رفت. با زحمت و ترس زیاد، سرانجام هتل محل اقامت‌مان را دیدم و رفتم توی ساختمان. همه سوال می‌پرسیدند.

برگشتن پدرم

صبح بود که پدرم – حاج رضا مهیایی- برگشت هتل. لباسش غرق خون بود. به خاطر سالها کار در دبی، آنجا با چند تا ترک، که از قبل آشنایی داشته مواجه می‌شود و آنها پدرم را به خانه‌شان می‌برند. وقتی از مادرم پرسید، گفتم مادرم رفت. نمی‌دانستیم باید چطور از وضعیت مادرم مطلع شویم. پدر شوهر خواهرم – حاج حسن- هم با ما بود و چون مسلط به زبان عربی و دارای ویزای اقامت امارات بود، به ما کمک کرد تا بتوانیم از وضع مادرم مطلع شویم. او را برده بودند بیمارستان سعودی. وقتی اصرار کردم خودم با شما می‌آیم و دنبالش می‌گردیم، راضی شدند و ناگهان دیدم‌اش که چند تا دستگاه بهش وصل بود. همه جای بدنش غرق خون بود. بیشتر از این اجازه ندادند. بعدا، او را به بیمارستان ایرانی تحویل دادند و گفتند آن عمل‌ها در بیمارستان سعودی برای این بوده که اثر جنایت‌شان را پاک کنند.

برگشتن مادرم به وطن

بعد از پنج یا شش روز، ما را از عرفات برگرداندند مکه و برای شناسایی به بیمارستان ایرانی رفتیم. چند تا عکس آوردند و گفتند شهیدتان را شناسایی کنید. ناگهان عکس مادرم را دیدم و به گریه افتادم. نورسته خواجی، که در سن پنجاه و سه سالگی، جلوی چشمهای خودم، از دنیا رفت. ما باید هنوز، در مکه برای انجام واجبات می‌ماندیم، اما مادرم را با پرواز به تهران و از آنجا به شیراز و بعد لار برگرداندند بدون این که کوچکترین مبلغی بپردازیم. حتی در مراسم تشییع نبودیم اما بعدها از خواهرهایم شنیدم که مراسم باشکوهی برایش برگزار کرده بودند.

یاد خدا

تا وارد مجلسی می‌شد همه از ترس زبانش جلویش بلند می‌شدند و سلام می‌کردند و بهترین جای مجلس او را می‌نشاندند. از زبان او وحشت داشتند که جلوی دیگران آنها را سکه یک پول کند؛ به همین دلیل با او خوش رفتاری می‌کردند و تا کسی را خطاب حرف‌های نیش‌دارش می‌کرد همه به او می‌خندیدند که گزینه بعدی نیش زبان او نباشند.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:
نفرت انگیزترین مخلوق خدا بنده ای است که مردم از شر زبان او پرهیز می‌کنند. (کافی - ج۳ - ص۳۲۲)

وبلاگ نقطه پایان
noghtehpayan.blogfa.com

خط خاطره

مثل یک مهندس

مصطفی کارگر
شاعر و نویسنده

شهید مرتضی عظیمی در ذهن من، آدمی‌ست دقیق. خاطره‌ای از سال‌های دور با تصویری از او در ذهنم مانده است. در کودکی، خیلی به داشتن گنجشک علاقه داشتم. حتی به شکارش و گنجشک‌ها از پرتاب کودکانه‌ی سنگ‌های دستی‌ام در امان نبودند.

یک‌بار که با فامیل به نخلستان‌های اطراف شهر رفته بودیم، به مادر بهانه گرفتم که به مرتضی بگو گنجشکی برایم شکار کند. مادرم گفت و او هم قول داد و در نهایت عمل هم کرد. اما قبل از آن، ما بچه‌ها مشغول حفر گودالی بودیم و از انباشتن و شبیه قله ساختن خاک‌های مرطوب و خنک آن لذت می‌بردیم. جوری که با کف دست به سطح آن می‌زدیم تا محکم شود و نریزد. مرتضی دهانه‌ی لوله‌ی تفنگ بادی مسلح‌اش را گذاشت روی دامنه‌ی نیمه پایین همان خاک‌ها و ماشه را کشید. تیر در میانه‌ی تل خاک قرار گرفت. بعد در حالی که با حرفی، توجه ما را به‌کارش جلب کرد، اول کف دستش را نشان داد که خالی‌ست، بعد آستینش را بالا زد و تا آرنج، مستقیم در خاک فرو برد و بعد از چند لحظه مکث و جستجو، در حالی که ساچمه کوچک تفنگ را با دو انگشتش گرفته بود، از خاک بیرون آورد. مرتضی چنین دقیق بود.

آگهی‌های افسانه

افسانه گرشن
www.gerishna.com

پیش‌نهاد فیلم

Into the White یک فیلم جنگی نیست. این فیلم ساخته سال ۲۰۱۲ در نروژ در مورد سرنشینان دو هواپیمای انگلیسی و آلمانی است که مجبورند در یک کلبه کنار هم زندگی کنند.
فیلم را پیدا کنید و ببینید هر چند با توجه به مضمون انسانی آن دیر یا زود از صدا و سیما هم پخش خواهد شد.

باری اگر-۱۰

کجایند مردان پر ادعا؟

به راستی چه بر سر مردسالاران و فرهنگِ خشن مردسالاری آمد؟ کجاست آن هیبت، آن سبیل از بناگوش‌دررفته و اَبروان گره‌خورده‌ی مردان گراشی که فریاد و نعره‌شان چهار ستون بدن زن و فرزندان‌شان را می‌لرزاند؟ کجا رفت آن طرز تفکر که زن را ضعیفه و ناقص‌العقل می‌پنداشت و کوچک‌ترین و ساده‌ترین فعالیت اجتماعی آنان را برنمی‌تابید؟

باری اگر نسل امروزی‌ها و جوان‌های تحصیل‌کرده و نوگرا فکر می‌کنند این سبکِ مردسالاری مربوط به دوران قدیم و عصر حجر و عهد قجر است، کاملا در اشتباه‌اند. حرف از همین دیروز است که این مردان مردسالار با هواپیمای بویینگ و ایرباس در فرودگاه شیراز از سفر کاری طولانی‌مدت به قطر و کویت فرود می‌آمدند. حرف از همین دیروز است که حتی تصور رانندگی یک زن یا دخترخانم گراشی از محالات بود.

انگار همین دیروز بود که آن خانم محترم گراشی برای اولین بار تابوشکنی کرد و با چادر و چاقچول و مقنعه و دست‌کش پشت فرمان نشست و در مقابل چشمان حیرت‌زده‌ی مردان رانندگی کرد. باری باید متذکر شد در مبحث مردسالاری، رانندگیِ زنان یک مورد خاص نبود. موارد دیگری هم بود که فکر می‌کنم همه جوانان و نوجوانان دهه پنجاه و اوایل دهه شصت به یاد دارند؛ که مثلا اگر مردی با اهل و عیال قصد رفتن به یک مهمانی و یا دید و بازدید معمولی را داشت، زن اجازه نداشت هم‌پای شوهرش قدم بردارد و باید حداقل ده، دوازده متر فاصله را رعایت می‌کرد؛ و جالب این‌جاست این مربوط به شب بود و در روز، بعضی از مردان حاضر نبودند با همسران‌شان که کاملا محجبه بودند، با فاصله و یا بی‌فاصله در انظار عمومی دیده شوند و آن را «کِنزَکی» (خنک‌بازی) می‌دانستند.

آن دوران که در شهرمان این همه مطب خصوصی و بیمارستان نبود و مردم مجبور بودند برای درمان به لار بروند، بعضی از این مردان مردسالار برای این‌که مردم نگویند فلانی خانم‌اش کنار دست‌اش نشسته، عیالِ مریض را مجبور می‌کرد که در قسمتِ بارِ ماشین تویوتا بنشیند، و برایش مهم نبود که سوز سرمای زمستان او را مریض‌تر کند!

حسن تقی‌زاده
نویسنده

باری در این مقاله، مجال آن نیست که به علت و علل تعدیل و رنگ‌باختگی مردسالاری و موارد عدیده‌ی نوع رفتار مردسالاران که باعث عقب‌افتادگی زنان و دختران‌شان می‌شد بپردازیم. فقط به یک مورد مهم بسنده می‌کنیم، و آن هم تحصیل زنان و دخترانِ آن زمان بود که چه میزان استعداد دختران به خاطر طرز تفکر خشک و مردسالارانه پدران‌شان در کنج خانه‌ها خشکید. همه‌ی ما می‌دانیم دو، سه دهه‌ی پیش میزان تحصیلات دختران از دوره ابتدایی، و در موارد انگشت‌شماری از راهنمایی، فراتر نمی‌رفت. بسی جای خوشحالی و افتخار است که نوه‌ی دخترِ مردسالارِ قدیم در حال حاضر در یکی از دوردست‌ترین شهرهای ایران، تک و تنها در حال اتمام دوره دانشگاهی است.

۲۵ مهرماه ۸۷: دومین همایش سرمایه‌گذاری در دبی

شهریور ۸۷: دکتر بهمنی از ریاست دانشکده استعفا داد

۲۴ مهرماه ۸۷: چهار سال پیش حسین قائدی جانشین محمد نام‌آور در شهرداری گراش شد

عکس نوشت

مثل همان کُنار، خاطره‌ها پیر می‌شود

رضا شیروان
تحریریه افسانه

خانه همسایه یک درخت کُنار داشت و پیرمردی همیشه روی تالار خانه می‌نشست؛ با آن کلاه نمدی و عینک ته‌استکانی‌اش که آن اواخر به زور تا دو قدمیِ خودش را می‌دید. فصل چیدن کُنار که می‌شد، هر روز بعد از ظهرها بیرونِ خانه‌ی همسایه کشیک می‌دادیم که بادی بیاید و شاخه‌های سر به فلک کشیده‌ی درخت کُنار که از دیوارِ بلندِ خانه کوچه را دید می‌زد، بتکاند و ما دلی از کُنار در بیاوریم.

آن روز در خانه باز بود؛ غیر از پیرمرد کسی نبود. آرام و بی‌صدا از درخت بالا رفتم و شروع به چیدن کُنار کردم. با کوچک‌ترین صدا چشم‌هایش را به درخت می‌دوخت. من خودم را بین شاخ و برگ درخت قایم می‌کردم و او تیز نگاه می‌کرد. یک بار هم تا زیر درخت آمد. نزدیک بود دل‌ام از جا کنده شود. برگشت و سر جایش نشست. آمدم پایین و رفتم. مزه ترش و شیرین مثل طعم کودکی هنوز در حافظه چشایی‌ام ماندگار است. نمی‌دانم مرا دید و به رویش نیاورد یا واقعا مرا ندید.

و آن یکی که سن و سال‌ام قد می‌دهد که چهره‌اش را به یاد بیاورم. کتاب‌اش همیشه مثل همین عکس زیر بغل‌اش بود. در مسجد دروازه نماز می‌خواند و اذان می‌گفت. می‌گفتند معلم مکتب بوده. خوب که نگاه می‌کنم شباهتی است میان او با آن که می‌رفت و می‌رفت و باز می‌رفت و باز کفش. شریک حسی از عکاس و من شاید ندیده، حسی جدید تجربه می‌کنم.

و آن یکی که مطمئن‌ام یک جایی، وقتی حتما دیده‌ام؛ ولی هر چه زور می‌زنم بی‌فایده است. شاید خواب دیده‌ام، شاید شبیه یکی دیگر است.

و آن خردسال، پیرمردی است که هنوز جوان مانده است.

نعمت حسین‌زاده، خال نوشاد نوشادی، ملا غلامرضا غلامی

مرور مطبوعات

پسین دهکویه

پسین دهکویه در شماره ۹۲، آبان ۹۱، نایب‌قهرمانی تیم تای کیک‌بوکسینگ کانون ولی عصر (عج) دهکویه را در استان به عنوان تیتر یک برگزیده و عکسی از این تیم نیز در صفحه اول کار کرده است. ۲ مدال طلا، ۳ نقره و ۲ برنز نتیجه کار این تیم بوده است. دو گزارش مفصلِ این شماره به برگزاری یادواره شهدای دهستان دهکویه و همچنین سخنرانی شیخ قاضی‌زاده، امام جمعه اوز، در سمینار گفتگوی شیعه و سنی در اندونزی اختصاص یافته است. در بخش خبرها هم درباره‌ی برگزاری جشن عاطفه‌ها در دهکویه، ایجاد دانشکده علوم قرآنی در گراش و برگزاری جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان در لار نوشته شده است.

عصر اوز

بخش زیادی از ویترین صفحات اول و آخر عصر اوز شماره ۱۴۴، آبان ۹۱، به آگهی‌های تبریک و تشکر اختصاص داده شده است، و این باعث شده مطالب اصلی و اتفاقاً خواندنی نشریه در سایه قرار بگیرند. نمایی عمومی از شهر اوز عکس اصلی این شماره است و تیتر «جمعیت بخش اوز اعلام شد» روی آن کار شده است. در صفحه سه در توضیح این تیتر می‌خوانیم که اوز همچنان پرجمعیت‌ترین بخش جنوب فارس در پرجمعیت‌ترین شهرستان فارس است. شاید دیگر نیاز به یادآوری نباشد که «ارتقا» تک‌مضراب نشریه‌ی عصر اوز است، و سخن اول این شماره هم به همین موضوع اختصاص یافته است؛ هرچند آمار جمعیتی اوز به آن حدی که رییس جمهور خواسته بود نرسیده است. دو مصاحبه جالب در این شماره کار شده است: یکی با رییس اداره آموزش و پرورش اوز، و دیگری با ملافاطمه، حافظ نابینای قرآن.

میلاد لارستان

میلاد لارستان نیز در شماره ۷۱۶، هفته سوم مهر ۹۱، همانند نشریه عصر اوز، ویترین اول و آخر را به آگهی اختصاص داده است. تیتر اول این شماره «آغاز عملیات حذف گردنه‌ی نارنجی» است که عکسی از ماشین‌آلاتِ در حال کار زیر آن کار شده است.

میلاد در شماره ۷۱۸، هفته اول آبان، تیتر و خبر اول‌اش را از سایت دکتر جعفرپور گرفته است، بدون این که اسمی از منبع ببرد: «موافقت وزیر کشور با تبدیل روستای دهکویه به شهر» تیتر اصلی است. جالب است که میلاد در این دو شماره دو کار عجیب کرده است: یکی این که در تیترهای اول‌اش کلمه لارستان را نیاورده، و دیگر این که اصلا خبر ورزشی نداشته است.

مسعود غفوری
دبیر تحریریه

اما میلاد در شماره بعد، یعنی شماره ۷۱۹، هفته دوم آبان، هر دوی این کمبودهای دو شماره قبل‌اش را حسابی جبران کرده است، و تیتر و عکس اول و همچنین تمام صفحه‌ی دوم (صفحه‌ی اصلی خبرهای میلاد) را به ورزش اختصاص داده است. تیتر اول که به دیدار دکتر جعفرپور، نماینده مجلس، با دکتر عباسی، وزیر ورزش و جوانان، مربوط است. اقدام عجیب دیگر میلاد در این شماره، بازنشر کامل و کلمه به کلمه‌ی خبری است که در شماره‌ی قبل به عنوان خبر اول در صفحه اول کار کرده بود! این خبر به حضور امیری، فرماندار لارستان، در جمع ورزشکاران در هفته تربیت بدنی می‌پردازد، و حتی عکس مرتبط با آن نیز در هر دو شماره تکرار شده است.

آگهی‌های افسانه

آلبوم خانوادگی

گراشی‌ها در فرودگاه دبی/ عکس‌ها از آلبوم حسین جعفری

از راست: محمود فرسوده، غلامرضا جعفری، محمد فرسوده

غلامرضا جعفری: عباس رستگار؛ اکبر رنجبر؛ حسن کهنسال

غلامرضا جعفری، عباس رستگار، اسد صالحی

شماره بعد

در یکی از شماره‌های آینده پرونده‌ای در مورد «تصادف رانندگی» داریم. شما هم می‌توانید از تجربیات و شنیده‌های خود بنویسید و یا اگر عکسی تامل‌برانگیز دارید برای افسانه بفرستید.
با توجه به ماه محرم یکی از موضوعات شماره بعد موضوع محرم خواهد بود. در این مورد هم می‌توانید مطالب تحلیلی و اجتماعی بنویسید.

عکس شما

عکس: حاجی‌پور

عکس: حاجی‌پور

ایوب اسدی

سعید موغلی

مسجدالنبی: عبدالحسین موغلی–ایوب اسدی–شیرعلی حسن زاده و حسین موغلی

افسانه شما

از خیابان درمانگاه: چندین سال است که در کوچه شماره ۱۴ خیابان درمانگاه منتهی به «برکه خیر» به دلایل زیاد مثل نداشتن چاه فاضلاب بعضی از خانه‌های مسکونی کوچه پر شده از فاضلاب و چاله چوله‌هایی که عبور و مرور را مختل کرده است. همچنین بوی بدی که از فاضلاب‌ها می آید باعث اذیت شهروندان در این کوچه شده است و ادامه داشتن این روند علاوه بر نازیبا کردن چهره‌ی کوچه موجب بروز بیماری برای اهالی کوچه نیز می شود از مسئولین محترم درخواست دارم در جهت رفع مشکل اقدام کنند.

موتورسواری دولا دولا– عکس از مصطفی غلامی

نامه رسیده

دردسرهای راه‌اندازی مدارس نمونه

ابراهیم مهروری
مدیر آموزش و پروش گراش

یکی از خواسته‌های مردم و فرهنگ‌دوستان تاسیس و راه‌اندازی مدارسی خاص در شهر بود که به دلیل شهرستان نبودن با وجود مکاتبات متعدد محقق نمی‌شد لیکن تا قبل از ارتقا به لطف خدا توانستیم به لحاظ عشق و علاقه به فرهنگ ایثار و شهادت مدرسه راهنمایی شاهد پسران را راه‌اندازی کنیم و بعد از آن دبیرستان شبانه‌روزی پسران ولی‌عصر(عج) افتتاح شد.

با ارتقا کماکان این پیگیری‌ها ادامه یافت و توانستیم در سال تحصیلی جاری سه مرکز دیگر را در اجرای طرح تحول بنیادین با همه مشکلات پیش رو به مجموعه مراکز آموزشی شهر اضافه کنیم. تصویب دبیرستان نمونه دولتی دختران، نمونه دولتی پسران و شاهد ابتدایی حاصل این پیگیری‌ها بود. البته قبل از شروع سال تحصیلی برای راه‌اندازی این سه آموزشگاه با مشکلات طاقت‌فرسایی مواجه شدیم.

عدم تخلیه ساختمان آموزشی امام رضا(ع) و از دست رفتن زمان همکاران را گیج و کلافه کرده بود، بیم لغو امتیاز نمونه دختران، زدگی و یاس دانش‌آموزان منتخب نمونه و ... دغدغه‌های جدی ما بود اما با معرفی فرماندار محترم و درک و معرفت نامبرده بر اهمیت راه‌اندازی، ساختمان تخلیه شد. بماند که چه خسارات و تغییراتی در فیزیک ساختمان ایجاد شده بودکه هزینه‌ای اضافی را بر دوش ما گذاشت. مشکل دیگر عدم پذیرش مسئولیت مدارس توسط همکاران به ویژه نیروهای بومی بود.

از سوی دیگر در سال جاری چهار واحد آموزشی سطح شهر (سعادت، محقق، کامروا و شهید بهزادی) در طرح مقاوم‌سازی قرار گرفتند و بایستی چهار فضای دیگر پیش‌بینی می‌شد تا این مدارس که یکی از آن‌ها نمونه دولتی کامروا بود فعالیت خود را شروع نمایند. به خاطر ابرام زیاد پیمان‌کار در تخلیه مدرسه و نگرانی اولیا و دانش‌آموزان نمونه بالاجبار دانش‌آموزان مدرسه نمونه پسران موقتا در یکی از مدارس سطح شهر در کنار دیگر دانش‌اموزان مشغول تحصیل شدند. اینجا نیز با نبود مدیر و عدم پذیرش مسئولیت برادران مواجه شده‌ایم. جلسات متعدد و ساعات زیاد مصروف موضوع شده تا بتوانیم جایگاه نمونه دولتی را که از صفر شروع نموده‌ایم تثبیت کنیم و به موقعیت مطلوب برسانیم.

مشکلات کمبود امکانات فیزیکی و مالی بدان معنا نیست که همکاران ما در آموزش و پرورش مایوس و امور را رها کنند. بلکه به دلیل زحماتی که در تحصیل این مجوز کشیده شده، با چنگ و دندان آن را گرفته و حفظ خواهند نمود و انتظار است صاحب نظران، اهل قلم و دردمندان به فرهنگ شهر با علم و اطلاع لازم و کسب آن از مسئولین ذی‌ربط به اظهارنظر بپردازند و علاوه بر آن راهکار و نظرات و پیشنهادات سازنده و قابل اجرا را نیز ارائه کنند.

نکته بعد در مورد افت تحصیلی است. با عنایت به معنا و مفهوم آن صدها دلیل بر اُفت تحصیلی نوشته‌اند که امروز دانشگاه‌های مطرح کشور نیز با آن مواجه است. از عمده مشکلات ما ترک تحصیل دانش‌آموزان ما به ویژه دختران به دلیل ازدواج‌هایی است که خود را در نمودار اُفت نشان می‌دهد. تکرار پایه‌ی تحصیلی و رفوزه‌گی از علل دیگر آن محسوب می‌شود. بی‌انگیزگی به درس و ادامه تحصیل، عدم نظارت و مشارکت لازم اولیا در ابعاد مختلف با اولیا مدرسه، عوامل اجتماعی تاثیرگذار مخصوصا خانواده و محیط توانسته اثرات خود را برجای بگذارند.

اما در این جا لازم می‌دانم با صراحت به منتقدین و جویای حقیقت اعلام نمایم که به لطف پروردگار وضعیت آموزشی مجموعه مدیریت شهرستان گراش رضایت‌بخش و روند صعودی داشته که تنها به یک مورد آن آمار قبولی دبیرستان شبانه‌روزی در دانشگاه دولتی/ فرهنگیان و ... و نیز هنرستان‌های شهر اشاره می‌نمایم. امید است این خدمات مورد رضای پروردگار واقع شود.

نامه رسیده

جای خالی اداره و بانک تعاون

بی‌شک یکی از شاهکارهای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی بخش تعاون در کنار بخش‌های دولتی و خصوصی است.

در اصل۴۳ قانون اساسی در خصوص تعاون آمده است:

«تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند. در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداوم ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق در آورد. این اقدام باید به رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.»

در اصل ۴۴ قانون اساسی نیز جایگاه تعاون را این گونه تعریف می کند:

«نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی بر پایه برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است، تعاونی شامل شرکت‌ها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود.»

جعفر یوسفی
تعاونی‌شهر ارتباطات گراش

در اهمیت بخش تعاون همین بس که رهبر معظم انقلاب در ابلاغیه سیاست‌های کلی اصل۴۴ در خرداد ماه ۱۳۸۴ افزایش سهم بخش تعاون در اقتصاد کشور به ۲۵ درصد تا آخر برنامه پنجم را خواستار شدند. آنچه که مسلم است هم اکنون سهم تعاون در اقتصاد کشور ۹ درصد می‌باشد و دستیابی به ۲۵ درصد از سهم اقتصاد نیاز به برنامه‌ریزی، هم سویی و حمایت بیشتر دارد. به خصوص ایجاد و حمایت از شرکت‌هایی که در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات فعالیت می کنند بنا به ویژگی‌های منحصر به فردی که دارند می تواند کشور و بخش تعاون را سریعتر به اهداف خود برساند.امید است با حمایت بیشتر از بخش تعاون و توجه بیش از پیش فرماندار محترم شهرستان گراش و نماینده محترم مردم شریف لارستان، گراش و خنج در مجلس شورای اسلامی به مشکلات شرکت‌های تعاونی در سطح شهرستان گراش از جمله نبود اداره تعاون، کار و امور اجتماعی و بانک توسعه تعاون که تمامی مراودات مالی شرکت‌های تعاونی با این بانک می‌باشد، بتوانیم به اهداف‌مان در این راستا برسیم.

عیش

دوشیزه حکیمه بیگ‌زاده‌خرم فرزند علی و آقای سجاد دانشمند فرزند باقر
دوشیزه فاطمه قاسمی‌زادگان فرزند رضا و آقای احمد پای‌برجای فرزند اسدالله
دوشیزه حکیمه شامحمدی فرزند حاجی و آقای رضا شیخی فرزند محمد
دوشیزه فاطمه پورشمسی فرزند شمس و آقای محمد امانی فرزند امان‌الله

پرسه

دارالسلام

حسین جعفری، فرزند عباس، ۷۷ ساله، علت سکته قلبی
ماه‌جان باقرزاده، فرزند ابول، ۶۱ ساله، ایست قلبی
محمد حاجی‌زادگان، فرزند حسین‌علی، ۸۵ ساله، قانقاریا و کهولت سن

دارالرحمه

محمدعلی بصیری، فرزند غلامحسین، ۵۳ ساله، علی سکته قلبی
نوزاد رهنورد، فرزند حسین، مرده‌زایی
یوخابه روزرخ، فرزند حسن، ۷۹ ساله، ذات‌الریه
نازنین‌زهرا کهنسال، فرزند مهدی، سه ماهه، خفگی در اثر ورود شیر به ریه
راضیه بهزادی، نوزاد، مرده‌زایی

شیخ اسماعیل

فاطمه پورکریمی، فرزند حاج غلامرضا، ۹۶ ساله، کهولت سن

نامه رسیده

مشکلات مسکن مهر

وقتی وارد بلوار شهدا می‌شوید، ابتدای راه، تا نزدیکی هلال احمر، تیرهای برق در شب روشن و فضا کاملا مشخص است. بعد از هلال احمر، گویی که از شهر خارج شدی! با این که خانه‌های مسکونی زیادی هست، از جمله مسکن مهر، ولی اصلا روشنایی ندارد. از چاله‌چوله‌های آن بگذریم که چیزی معمولی است در کل شهر!

سید مهدی محقق
ارسالی خوانندگان

به ورودی مسکن مهر که جدیداً نام عملیات فتح‌المبین را بر آن نهاده‌اند می‌رسیم که به شهرک پردیس ختم می‌شود. اصلا ورودی در شب مشخص نیست، بس که تاریک است و اگر بخواهی از این خیابان به خیابان شهدا بروی اصلا بلوار در شب پیدا نیست. خدا پدر این فروشگاه مهر را بیامرزد که از تابلو آن مشخص است که وارد کدام خیابان می‌شوی.

پارک‌های مسکن مهر هم وضعیت مشابهی دارند. اصلا در شب نمی‌توان از پارک استفاده کرد. با این که وسایل برای بازی هم زیاد است، و عصرها پارک شلوغ و پررونق است، ولی شب پرنده هم پر نمی‌زند.

یکی دیگر از مشکلات ما اهالی مسکن مهر، مشکل زباله‌هاست که چند روز یک بار بعد از این که کلی سگ و گربه آن را آش و لاش کردند، دیگر جمع می‌کنند. وضع جداول هم تعریفی ندارد؛ از پاکت سیمان و کاشی و سرامیک گرفته تا پوشک بچه و غیره؛ خلاصه هر چه که بخواهی در جداول هست، انگار نه انگار که مسکن مهر هم جزیی از شهر است.

از اوضاع و احوال تلفن هم بگوییم که مخابرات فکری به حال این اهالی بکند. تا کی باید قبض موبایل صد و دویست هزار تومانی پرداخت کنیم؟ ما اگر متموّل بودیم که نمی‌آمدیم مسکن مهر! اگر یک روز موبایل‌ها قطع شود -که این روزها خیلی اتفاق می‌افتد- راه ارتباطی مردم چیست؟

آگهی‌های افسانه گراش
۲۲۲۹۹۷۰

آگهی‌های افسانه

تبریک به آینده‌سازان گراش و موفقیت‌شان در آزمون‌های ورود به دانشگاه سال ۱۳۹۱

دبیرستان ام‌البنین(س)

هانیه افشار	زبان و ادبیات انگلیسی/	شهید باهنرکرمان
احترام اقبال	پژوهش‌گری علوم اجتماعی/	پیام نوراوز
زهره اکبری	مترجمی زبان/	پیام نوراوز
عالیه امانتی	جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری/	پیام نوراوز
محبوبه پورشمسی	علوم سیاسی/	پیام نور خور
فهیمه جاهد	زمین شناسی/	پیام نور اوز
ملیحه خواستار	زمین شناسی/	پیام نور اوز
فریده دررند	حقوق/	پیام نور اوز
مریم رشیدی	مهندسی کشاورزی/	پیام نور اوز
مریم روانبخش	علوم تربیتی/	پیام نور اوز
فرخنده روانشاد	مهندسی کشاورزی/	پیام نور اوز
فرزانه سعادت	علوم اجتماعی/	پیام نور اوز
نجمه سیتاک	مدیریت بازرگانی/	پیام نور اوز
زهرا فولادی پور	زیست شناسی/	دانشگاه آزاد مشهد
آسیه قفقازی	مدیریت بازرگانی/	روزانه چابهار
طاهره کارکن	علوم اقتصاد/	پیام نور اوز
سیده نجمه مجلسی	پژوهش‌گری علوم اجتماعی/	پیام نور اوز
فاطمه محسنی فرد	حسابداری/	پیام نور اوز
مریم محمدی	زیست شناسی	پیام نور اوز
فاطمه یحیایی	پرستاری/	دانشگاه آزاد لار

دبیرستان کوثر

فائزه اسماعیلی	مهندسی معدن/	دولتی اراک
فائزه بختیار	مهندسی پزشکی/	دانشگاه مجازی ارومیه
شراره بیژنی	پرستاری/	آزاد لار
الهه بیگلری	مهندسی آب و خاک/	پیام نور بیرم
زهره جعفری	ریاضی محض/	دولتی شیراز
زهرا دلاور	مهندسی کشاورزی/	پیام نور اوز
فاطمه رئیسی	منابع طبیعی/	پیام نور بیرم
مژده شاه جمالی	میکروبیولوژی/	آزاد جهرم
سپیده شکوه‌زاده	حسابداری/	پیام نور لار
فاطمه علی‌پور	منابع طبیعی/	پیام نور اوز
زهرا هنرور	مهندسی گیاه پزشکی	پیام نور اوز
عاطفه وقارفرد	مدیریت/	پیام نور اوز

هنرستان خیرالنسا زاهدی گراشی

فائقه آخوندزاده	حسابداری/	روزانه نی ریز
سعیده بخشی	کامپیوتر/	غیر انتفاعی شیراز
شکوفه پورشمسی	حسابداری/	شبانه بندرعباس
فاطمه حاجی زادگان	حسابداری/	روزانه اقلید
زهرا حاجی زادگان	کامپیوتر/	روزانه شیراز
کلثوم خسروی نژاد	کامپیوتر/	روزانه اقلید
زهرا رشیدی گراشی	کامپیوتر/	غیر انتفاعی شیراز
فهیمه رهنورد	کامپیوتر/	روزانه کازرون
محدثه زارعی	حسابداری/	شبانه نی ریز
فهیمه صادقی	کامپیوتر/	غیر انتفاعی قشم
فتانه فراری	حسابداری/	شبانه بندرعباس
اسما موغلی	حسابداری/	غیر انتفاعی شیراز

هنرستان شهید منفرد

حمزه حسنی	مکانیک خودرو/	ممسنی
سلیمان سعید آبادی	مکانیک خودرو/	زاهدان
مجید شکاری	مکانیک خودرو /	کرمان
احمد ملت خواه	معماری/	شیراز
محسن نظافت	معماری/	یزد
فرهادوهابی	معماری/	مرودشت

دبیرستان ولی‌عصر (عج)

یحیی امانی	مهندس کشاورزی/	پیام نور اوز
محمد باقر امانی	دانشگاه فرهنگیان/	آزاد شیراز
مازیار امیری	فیزیک/	دولتی روزانه یاسوج
علی آشفته	حسابداری/	پیام نور اوز
حامد بیگلری	مهندس معدن/	دولتی روزانه زاهدان
علی پروین	زیست شناسی/	پیام نور اوز
محمد جواد پور غفور	مهندسی منابع طبیعی/	پیام نور اوز
علی پیشکار	مهندسی معدن/	دولتی روزانه کرمان
محمد تکنورد	مهندس مکانیک/	لامرد
جعفر جعفرزاده	حسابداری/	پیام نوراوز
محمد سعید جوشن	پروتز دندان/	دولتی روزانه سبزوار
ابراهیم جولافیان	آموزش ابتدایی/	دانشگاه فرهنگیان شیراز
حافظ خدامی	علوم تربیتی/	دانشگاه فرهنگیان شیراز
علی خدمتی	علوم تربیتی/	آزادبوشهر
مصطفی رادمرد	مهندس عمران/	آزاد لار
محمد راستگو	علوم تربیتی/	دانشگاه فرهنگیان شیراز
احمد رامیارپور	مهندس معماری/	پیام نور اوز
ابراهیم رحیمی	هنرهای دیجتالی/	غیر انتقاعی شیراز
حسن رسولی‌نژاد	فوریت‌های پزشکی/	دولتی بندرعباس
محمد رضایی	علوم اقتصاد/	غیر انتفاعی قم
محمد رضوی فرد	فیزیک هسته ای/	آزاد آباده
محمد روزگاران	مهندس کامپیوتر/	پیام نور اوز
مسعود زارعی	مهندس کشاورزی/	دولتی روزانه کرمان
وحید سلمانی	پرستاری/	آزاد لار
سلمان سهیلی قریشی	دانشگاه فرهنگیان/	آزاد شیراز
سهام الدین شجاعی	کاردانی فنی/	دولتی روزانه اصفهان
محسن شریعتی	تکنسین هواپیما/	دولتی روزانه تهران
مجید شمسی	تکنولوژی مواد/	غیر انتفاعی بوشهر
احمد صدیقی	مهندس مکانیک/	غیر انتفاعی قشم
علی رضا صفرپور	مهندس مکانیک/	غیر انتفاعی قشم
میلاد عباس زوج	مهندس برق /	آزاد یزد
رضا عباسی	زمین شناسی/	دولتی روزانه بندرعباس
حامد عباسی	گرایش ایمنی/	غیر انتفاعی لامرد
احمد علی نژاد	مهندسی منابع طبیعی/	پیام نور
محمد جوادفاطمی	زیست شناسی/	پیام نور اوز
ابوذر کارگر	مهندس برق/	آزاد نجف آباد
محسن کاظمی	مهندس مکانیک/	غیر انتفاعی قشم
بهروز گنجی	مهندس کامپیوتر/	پیام نور اوز
حسین محسن زاده	مهندس عمران/	آزاد لار
یاسین محمدی	دامپزشکی/	آزاد کازرون
مجتبی منفرد	مهندس کشاورزی/	دولتی روزانه اهواز
حمید رضا موغلی	تربیت بدنی/	دانشگاه فرهنگیان شیراز
محمد امین یزدانی	مهندس برق/	پیام نور شیراز

هنرستان امام حسین (ع)

مهران احمدی	مرودشت
یاسر امانی	یزد
هادی ایزدی	انقلاب تهران
موسی بزرگی	بوشهر
علی پرچمی	اصفهان
محمد رضا حسنی	آباده
علی حسین حسنی	ممسنی
اکبر حسین نیا	مرودشت
عبدالوهاب خادمی	آباده
محمد رضا دهرمی	استهبان
حسن دیباچی	مرودشت
محمد رادمرد	یزد
کامران روستایی	داراب
محمد ساکنی	شیراز
محمد باقر ستاری	مرودشت
حسین شوری	شیراز
مهدی صفری	شیراز
عادل صفری	آباده
علی غلامی	میناب
داود فروزان	استهبان
منصورقربان نژاد	بوشهر
اکبر قربانیان	شیراز
احسان کوهپیما	بوشهر
حمید رضا محمدی	شیراز
سجاد محمدی	مرودشت
پوریا محمدی	ممسنی
حسن شاه میری زاده	مرودشت
حسن نظامی	لار
محمد نوروزی	یاسوج

سایر همشهریان

رامین اکبری	زیست شناسی/	دانشگاه زابل
مریم اندیشه	دبیری زبان/	تربیت معلم شیراز
فاطمه آتشی	منابع طبیعی/	دانشگاه شیراز
مسلم برازش	مهندسی IT/	دانشگاه صنعتی شیراز
محمد حسن جعفری	مدیریت فرهنگی /	دانشگاه سوره
مجتبی دارشی	حسابداری/	دانشگاه ابوعلی سینا همدان
مجید زارعی	مکانیک/	علم و صنعت تهران
سعید سروش	پزشکی/	علوم پزشکی شیراز
محمد رضا شکوه	علوم آزمایشگاهی/	جهرم
رضا عباسی	زمین شناسی/	دانشگاه بندر عباس
محمد فتحی	شیمی/	صنعت نفت اهواز
بهنام قنبرپور	شهرسازی/	دانشگاه شیراز
رامین کریمی	مکانیک/	یزد
سید امیر محقق	زیست شناسی/	دانشگاه شیراز
زهرا مهرابی	پزشکی/	علوم پزشکی قم(ساکن قم)
نفیسه مهیایی	پزشکی/	علوم پزشکی تهران
محمد امین نوبهار	زیست شناسی/	شهید چمران اهواز
راضیه واحدی	پزشکی/	علوم پزشکی شیراز
یعقوب وفایی فرد	منابع طبیعی	دانشگاه اردبیل
فائزه یحیایی	پزشکی	علوم پزشکی تهران(ساکن قم)

توضیح: ممکن است بعضی از دانش‌آموزان در چند رشته پذیرفته شده باشند و یا در ابتدا تحصیل جابه‌جا شده باشند. این آمار بر اساس گواهی درخواست دانش‌آموزان از دبیرستان و هنرستان تهیه شده است.
ممکن است نام برخی از افراد که سال‌های گذشته تحصیلات خود را به پایان رسانیده‌اند در این آمار وجود نداشته باشد.

سرای مدرسین گراش با آموزش و پرورش مدارس

Grisha.com

افسانه گراش

افسانه روزنامه صبح فارس

سیاسی-اقتصادی-فرهنگی-ورزشی-هنری

صاحب امتیاز: رامین رسول‌اف مدیر مسوول: پیمان بهادری

نشانی شیراز: خیابان ذوالانوار غربی-کوچه ۱۸ -پلاک ۵۸ -روزنامه افسانه

تلفن: ۹-۲۳۴۸۰۰۸ فکس: ۲۳۳۱۱۷۰

ویژه‌نامه افسانه گراش

سردبیران: محمدصادق رحمانیان و محمد خواجه‌پور

نمایندگی: محمدعلی شامحمدی مدیر تحریریه: مسعود غفوری

نشانی گراش: خیابان امام(ره).ساختمان جابری. طبقه زیرین

دفتر موسسه فرهنگی هفت برکه

چاپ: ایران‌زمین شیراز صفحه‌آرایی: هرمز کامپیوتر

تلفن و فاکس: ۲۲۲۹۹۷۰ - ۰۷۸۲

پیامک: ۰۹۳۷۴۹۰۹۶۰۰

email: gerash@gmail.com

website: www.gerishna.com

در باسازی بوستان شهر مجموعه دزدان دریایی و دیگر اسباب‌بازی‌ها با هزینه ۴۷ میلیون‌تومان راه‌اندازی شد – عکس: ابوالحسن حسینی

News

Khatami in Gerash:

Ghadir Is Not Just a Day

Masoud Ghafoori

Bringing up social and political issues is inevitable when a nationally well-known figure like the temporary Friday Prayer Imam of Tehran, Ayatollah Seyed Ahmad Khatami is the guest; although the main reason for the invitation is to deliver a sermon on "Ghadir".

Ayatollah Khatami had a busy schedule in Gerash for two days beginning from November 2nd. The morning he arrived, he had a session with religious and university students in Paramedical School amphitheater, in which he touched on two controversial economic and political issues.

After this session, Ayatollah Khatami accompanied people and students in the demonstrations against Imperialism of America. In the afternoon, he had an undisclosed talk with members of Basij, which was presumably about economic and social issues for the most part.

Ayatollah Khatami preached in A'zam Hosseinieh on the subject of Ghadir. In these sermons he pointed out the most salient traits of Imam Ali, and stated that "Ghadir is not just a day. Today Ghadir is incarnated in Wilayat al-Faqih."

زیر پوست شهر

راضیه یوسفی

تحریریه بانوان

لباسی سفید و قلبی سفیدتر

سال‌های زیادی منتظر بود که شرایط حج تمتع را داشته باشد. از مدت‌ها قبل طرز صحیح خواندن نماز و ادای درست کلمات عربی را بازنگری می‌کرد. با آن که سواد خواندن و نوشتن نداشت همیشه دفترچه‌ی کوچکی همراهش بود و با خطوطی که فقط خودش معنایش را می‌فهمید کارهایی را که باید انجام بدهد بر روی کاغذ می‌نوشت.

«صله رحم» را در هر شرایطی به جا می‌آورد. حالا کم کم به خواسته‌ی قلبی‌اش نزدیک می‌شد. شرایط حج تمتع فراهم شده بود و باید ثبت نام کند. آن روز به طرف صندوقچه‌ای رفت که پر بود از پارچه، نخ، روسری، چادر نمازی و ... که همه یک رنگ بودند، سفید.

سفید، مثل لباس احرام. سفید، مثل رنگ لباس رفتن. سفید، مثل روح انسان‌های پاک.

یک ماه قبل این صندوقچه را خریده بود. تا بر اساس رسمی که وجود داشت قبل از رفتن به حج، پارچه‌ها را. به نزدیکان، آشنایان و همسایه‌ها بدهد تا در زمانی که او حج است از این پارچه ها لباس بدوزند و از آن استفاده کنند. با خودش گفت: تا آن موقع که خدا زیر برگه‌ی دعوت‌نامه‌ام را امضا کند و مُهر تایید بزند، وقت دارم که پارچه‌های دیگری را بخرم.شب قبل مدارک ثبت‌نام را آماده کرد و کنار طاقچه گذاشت. کنار قرآن،کتابی که نمی‌توانست بخواند اما به نوشته‌هایش نگاه می‌کرد و صلوات می‌فرستاد.

صبح زود از خواب بیدار شد. نماز صبح را خواند. منتظر گذشت زمان بود. هر از گاهی به ساعت دیواری نگاه می‌کرد. هنوز ساعت هفت و نیم نشده بود که به طرف بانک به راه افتاد. بین راه،پسر همسایه‌شان که به تازگی ازدواج کرده بود را دید. کمابیش از زندگی مجتبی خبر داشت. پسری که سرپرست یک خانواده‌ی پنج‌نفری بود و همه در یک خانه‌ی اجاره‌ای زندگی می‌کردند. مجتبی حال مساعدی نداشت. از ازدواجش راضی بود اما در فکر فراهم کردن یک زندگی بی‌دغدغه برای خانواده و همسرش بود.

دفترچه را به تحویل دار داد. تمام پس‌اندازش را برداشت و به خانه برگشت. غسل کرد. لباس سفید به تن کرد و رو به قبله ایستاد در حالی که چشم‌هایش پر از اشک بود گفت: «لبیک اللهم لبیک لبیک لا شریک لک لبیک ان الحمد و النعمه لک و الملک لا شریک لک لبیک» و به سوی خانه‌ی مجتبی به راه افتاد.

بررسی نمودار رشد قیمت‌ها در یک سال گذشته

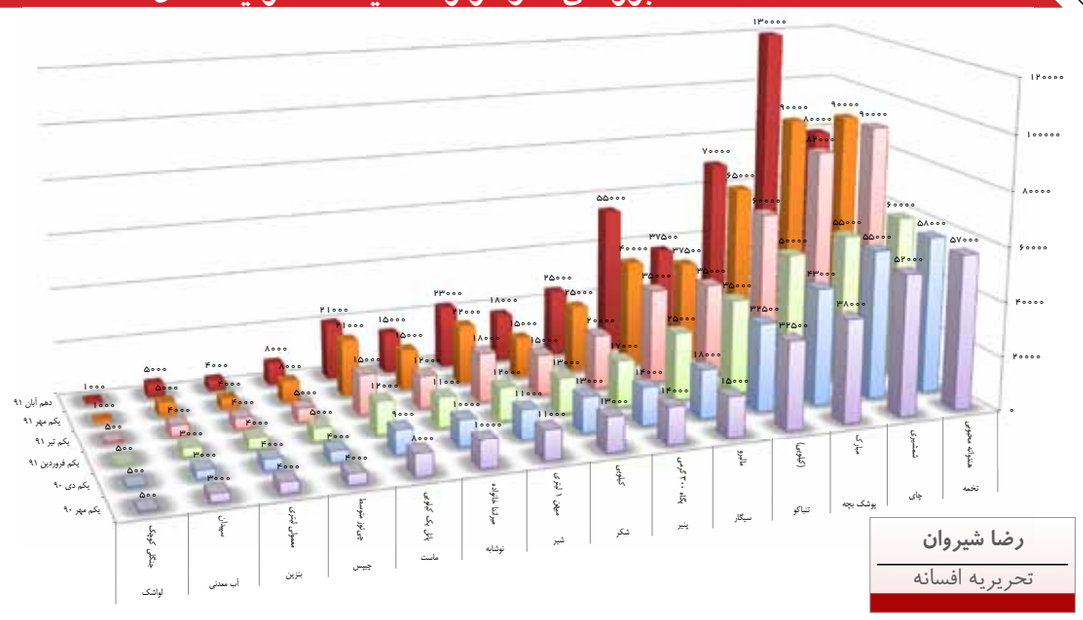

رضا شیروان

تحریریه افسانه

هر روز که به سوپرمارکت بروید با یک قیمت تازه روبه‌رو می‌شوید. گفتیم برای این که قیمت‌های قبلی را فراموش نکنیم مروری بر افزایش قیمت‌ها در یک سال گذشته داشته باشیم.

اگر شما مهرماه قبل به فروشگاه می‌رفتید با ۲۶ هزار و ۲۰۰ تومان می‌توانستید این سبد خرید خود را پر کنید. اما اگر اول مهرماه ۹۱ دوباره می‌خواستید همان جنس‌ها را بخرید شما باید ۴۳۸۵۰ تومان پول داشتید. چهل روز بعد برای خرید شما نیاز ۴۹۲۰۰ تومان داشتید.

با این حساب اجناس مورد نظر در یک سال به طور متوسط ۶۷ درصد افزایش داشته است و البته این افزایش همین‌طور ادامه دارد. برای جنس‌های خارجی این افزایش محسوس‌تر و بیشتر است.

هیچ‌کس هم راضی نیست. هر بار که برای خرید می‌روید هم باید گله و شکایت فروشنده را گوش کنید و هم شکایت از جیب خالی خریدار را.

	تخمه هندوانه محبوبی	چای شمشیری	پوشک بچه مبارک	تنباکو (کیلویی)	سیگار مالبرو	پنیر پگاه ۳۰۰ گرمی	شکر کیلویی	شیر میهن ۱ لیتری	نوشابه میراندا خانواده	ماست پاتیل یک کیلویی	چیپس چی‌نوز متوسط	بنزین معمولی لیتری	آب معدنی سپیدان	لواشک جنگلی کوچک
یکم مهر ۹۰	۵۷۰۰۰	۵۲۰۰۰	۳۸۰۰۰	۳۲۵۰۰	۱۵۰۰۰	۱۴۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۱۰۰۰	۱۰۰۰۰	۸۰۰۰	۴۰۰۰	۴۰۰۰	۳۰۰۰	۵۰۰
یکم دی ۹۰	۵۸۰۰۰	۵۵۰۰۰	۴۳۰۰۰	۳۲۵۰۰	۱۸۰۰۰	۱۴۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۱۰۰۰	۱۰۰۰۰	۹۰۰۰	۴۰۰۰	۴۰۰۰	۳۰۰۰	۵۰۰
یکم فروردین ۹۱	۶۰۰۰۰	۵۵۰۰۰	۵۰۰۰۰	۳۵۰۰۰	۲۵۰۰۰	۱۷۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۲۰۰۰	۱۱۰۰۰	۱۲۰۰۰	۵۰۰۰	۴۰۰۰	۳۰۰۰	۵۰۰
یکم تیر ۹۱	۹۰۰۰۰	۸۲۰۰۰	۶۰۰۰۰	۳۵۰۰۰	۳۵۰۰۰	۲۰۰۰۰	۱۵۰۰۰	۱۸۰۰۰	۱۲۰۰۰	۱۵۰۰۰	۵۰۰۰	۴۰۰۰	۴۰۰۰	۵۰۰
یکم مهر ۹۱	۹۰۰۰۰	۹۰۰۰۰	۶۵۰۰۰	۳۷۵۰۰	۴۰۰۰۰	۲۵۰۰۰	۱۵۰۰۰	۲۲۰۰۰	۱۵۰۰۰	۲۱۰۰۰	۸۰۰۰	۴۰۰۰	۵۰۰۰	۱۰۰۰
دهم آبان ۹۱	۸۰۰۰۰	۱۳۰۰۰۰	۷۰۰۰۰	۳۷۵۰۰	۵۵۰۰۰	۲۵۰۰۰	۱۸۰۰۰	۲۳۰۰۰	۱۵۰۰۰	۲۱۰۰۰	۸۰۰۰	۴۰۰۰	۵۰۰۰	۱۰۰۰

آگهی‌های افسانه

بسمه تعالی

فروش فوری

۱۴ سهم از کل ۱۰۶ سهم بازار قیصریه لار مشاع بطور کلی یا جزئی با سند سیم و سرب با قیمت توافقی بفروش می‌رسد.

حقانی: ۰۹۱۷۸۰۲۲۷۲۱

Grishna.com